PROPERTY OF ACKU

بسم الله الرحمن الرحیم

"مسلمان باش اما با تمام ویژگی ان کـه این به تنهایی ترا بسنده است زیرا اگرمسلمان باشی ، ایمان ترا به نبرد با استعمار وامیدارد تا با شجاعت وقدرت ومردانگی وپایداری با هرگونه مظالم بپیتیزی وبا تمام مظاهر ستم و عناد مبارزه کنی و ......"

-- استاد سید قطب --

الصبح

الیس الصبح بقریب

آیا بامداد پیروزی ، نزدیک نیست ؟

صفحه آول — شماره ۱۹ و ۲۰ — نشریه حزب اسلامی افغانستان بخش اروپا — ۲۷ اگست ۱۹۸۴ مطابق ۵ سنبله ۱۳۶۳ – ۲۹ ذیقعده ۱۴۰۴

افغانستان د معاصر تاریخ په اوږدو کښې

،د وروستی دور،

د حاکم نظام توری څیری او د هغه خصوصیتونو ، د واکداری د لی نا وړه کړو وړو ، اقتصادی وبجاړ تیا او د اسلامی – انسانی ټولو ټولنیزو او فردی ارزښتونو سره د نظام او د هغه د پلویانو مبارزه په تیره بیا د هغو په وړاندی د پردو تالو – ځټو ښکاره ضد د ریښځ او د هغو تبلیغات او پرو پاګند ی د نوموړو ارزښتونوپر خلا ف او د دی په څنګ کی د دول د ول ټولنیزو رنځونو لتی رامنځ ته کیدل او د هغو وده د دو د ستګاه پلاس او د اسی نوری ناخوالی چه ټولو ته اشاره کول د زیات وخت او زیاتی څیړنی غوښتنه کوی ، د غو ټو لو بد مرغیو د اسی توره فضا په ټولنه کی حاکمه کړی وه چه د یو ه – اسلا می نظام د ټینګښت زمینه بی د ایثار ، قربانۍاو د وینو له ورکولو نه پرته له منځه وړی وه .

په افغانستان کی حکومتی د ستګاه او زمامداری د لی د تاریخ په اوږد و کی تل ولس وهغی اندازی ته رسولی دی چه د سر او د وینو له ورکولو نه پرته بی بله د خلاصون لا ره نـده موندلی . او همدا وجه ده چه د ی مسلمان ولس د ځان د خلاصون او د بقا او پاینټ اوهمدارنګه د خپلی عقیدی نه د دفاع په خاطراو د آزادۍ د تر لا سه کولو په منظور بی شمیره قربانی ورکړی او په وار وار بی د خپلو پاکو وینو په بیه ، د استعمار ، استبداد ، فساد او د اسارت زنځیرونه شلولی او د ظلم او ستم مانی بی نړولی د ی .

د ظاهر داود په تور دور کی هم د ظلم او ستـم ، ناروا او جفا ، فساد او انحراف چاړه د ولس هډوکو تـه رسیدلی وه – چه پدی د ول بی د خلا صون نوری ټولی لاری او چـاری د سر د ورکولو او د ځان د ځارونی نه پرته تړلی وې . پاتی په لسم مخ کی

بقیه در صفحه ۹

متن دری تلگرام شرکت کنندگان کنفرانس جهانی حج در رابطه با دسیسه نافرجام کا.گی.بی

ازد سیسه شیطانی وتر وریستی اینکه هدف آن سوء قصد به جان برادر مجاهد حکمتیار در پشاور پاکستان بود ، که از فضل خد ا به برادر حکمتیار آسیبی وارد نیامده ولـی عده ء از برادران مجاهد طی آن بـه شهادت رسیده اند ، اطلاع گرفتیم .

برادر مجاهد گلبد ین حکمتیار رهبـر حزب اسلامی افغانستان دامت برکاته!

کنفرانس جهانی حج منعقده مرکـز اسلامی در هامبورگ ، اقدام سوء قصد بـه جان شما راجداً محکوم نموده واین عمل تروریستی راکه منجربه شهادت عده ء از برادران مجاهد افغانی گردیده شد یداً محکوم میکنیم .

ماتهنیت وتعزیت خود را بجناب شما وبه جامعه مسلمان افغانستان بـه مناسبت شهادت شهیدان این فاجعه تقدیم نموده وهمچنان احساسات خویش رابه نسبت سلامت شما ابراز داشتـه وپشتیبانی خود را از جهاد مقد س مردم مسلمان افغانستان واخراج قوای اشغالگر کمونستی کافرو در تحقق بخشید ن حکومت اسلامی درافغانستان اعـلام میـداریـم .

قابل یاد آوریست که تلگرام فوق به اثـر پیشنهاد نمایندگان مسلمان بیش از ۸۰ (هشتاد) کشور مسلمان جهان که در کنفرانس جهانی حج در مرکز اسلامـی شهر هامبورگ شرکت داشتند تهیه وبه دفتر تبلیغات مجاهدین افغانستا ن در بن مواصلت نموده است .

بی طرفان بی هدف

از خصوصیت های بیطرفیست که شخص بیطرف خود را بیشتر از همه چیـز وهمه کس دوست میدارد واز خود راضی میباشد .

همچنان یکی از صفات بارز آن این است که همیشه مراقب اوضاع بوده – و همه فعالیتهای خود را روی مصئونیت جان ، مال واولاد ومنافع خود استوا ر میسازد . وطوری این خود نگهبانـی را عیار مینماید که با خاصیت ابن الوقتی اش مطابقت نماید . یعنی اینکه در هر فصل از میوه همان فصل استفاده کرده بتواند .

در نشست وبر خاست ود رگفتاروکردار خود همیشه طوری عمل مینماید کـه با کسی طرف نگردیده وزمینه برخورد واستکاک افکار بوجود نیاید .

در دوستی با هرکدام دوستو در دشمنی با هیچ کس دشمن نمیباشد از ناملایمات می پرهیزد ودرمـردم داری وروابط اجتماعی خود بدون درنظر گرفتن اختلاف دین وایدئولوژی راه صلح وسازش را باز میگذارد تا در وقت ضرورت یعنی اوضاع وشرایط نا مساعد ، درآن وقتیکه احتمال درخطـر قرار گرفتـن

بقیه در صفحه ۹

اشغال لانه جاسوسی "سفارت" وطن فروشان کافر پرچمی در بن

قـرار اطلاع نمایندگی مجاهـد ین در بـن ساعت ۱۱/۰۰ قبل از ظهر روز پنجشنبه ۱۰ ماه اگست عده ء از هموطنان مسلمان و متعهد ما لانـه جاسوسی (سفارت) دولت مزدور ببرك روسی را در بـن اشغال نمودند . هموطنان مبارز ومتعهـد ما با اشغال لانه جاسوسی دولت کافر ببرك روسی به دولت غارتگر و متجاوز روسیه اخطار نمودند که جنگ طلبا اعمال وحشیانـه تروریستی اش به عقب جبهه نکشانده وبایـم گذاری به دفاتر مجاهدین مؤمن افغانستان شکستهای داخل جبهه اثررا جبران ننماید ورنه ما فرزنـدان صدیق اسلام آماده هرنوع جواب به اعمال تروریستی و ضد انسانی کاخ نشینان غارتگر کرملین هستیـم .

پولیس آلمان در حال دستگیری یکی ازهموطنان متعهد ما در این حادثه (عکس از روزنامه آلمانی اکسپرس)

هموطنان مؤمن و مسلمان ما با این عمل انقـلابی شان به جهانیان اعلام داشتند که دولت غارتگر روسیه برای جبران شکستهای پی درپی اش در داخـل جبهات افغانستان حالا دست به اعمال قبیح تروریستی زده و بدفتر معاونیت اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان مقر مرکزی برادر مجاهد حکمتیار بمبگذاری نموده است هموطنان متعهد وجانفدای ما در جریان این عمل شان پیام تیلگرافی عنوانی برادر مجاهد حکمتیار مخابره نمودنـد که متن آن قرار ذیل بدست ما رسیده است

بـرادر مجاهـد حکمتیار !

ما فرزندان اسلام و همرزمان جانفدای شما به عنوان اخطار به دولت غارتگر روسیه بخاطر بمبگذاری به دفتر کار شما سفارت دولت کافر ببرك را اشغال نمودیم و خداوند (ج) را سپاسگزاریم که در آن حادثه نافرجام حافظ شما بوده است . سلام رحمت ونصرت خدا (ج) برشما باد .

همرزمان جانفدای تان در اروپا

عوامل موجودیت ارتش سرخ درافغانستان

وجود نظامی ارتش سرخ درافغانستا ن حزینه ء در بردارد ، این حزینه ء مستهر سنگین یعنی مبلغـی درحدود سـه ملیارد دالـر درسال به سختی مـی توانـد توجیهاد امه حضور ارتش سـرخ درافغانستان را ممکن سازد . پـس چرا درحالیکه روحیهای روسها پائیـن میباشـد وشرایط برای آنها فوق العادهٔ مخاطره آمیز است وهم با گذشت زما ن هر روز نفرت مردم دنیا از(روسها) – افزون میگردد ، کرملین نیروهایش را در آنجـا نگهمیدارد ؟ بقیه درصفحه ۱۱

نشریه ء مسلم تیمیاد رجواب این سوال

قطع روابط سیاسی باکشورهای کوستاریکا والسلوادور

قطع روابط سیاسی عده ء ازکشور ها ی اسلامی بادو کشور کوستاریکاوالسلوادور در پی انتقال سفارتخانه های شـا ن از تل ابیب به بیت المقدس ، اقـدام قابل تقدیر ودرخور ستایش است . زیر بیت المقدس چنانچه ازنامش پید است محل مقدس وپاکیست برای همه ء مسلمـانان جهان ودفاع از آنهم وجیبه و مسوولیت ایمانیست که برعهده همـه مسلمانان گذاشته شده است .

اگر چنانچه مسلمانان دررابطه با ایـن امـر مهم ومسوولیت خطیر غفلت را بر گزینند ویا اینکه با سستی ، رکود وبـی میلی عمل نمایند ، خدای نخواستـه صهیونزم اسرائیل براهداف پلیـد وشیطانی خویش نایل خواهد آمـد واین محل مقدس را بـه مرکز صهیونزم مبدل خواهـد ساخت . چنانچـه این رویای شیطانی رادرسر لوحـه مبارزه با اسلام ومسلمانان گنجانیده اند .

اسرائیل نه تنها تمام تلاش در جهت مبدل ساختن بیت المقدس به مرکز –

بقیه در صفحه ۷

درین شماره

- اهمیت اقتصاد در اسلام وکمونیزم
- بی طرفان بی هدف
- عوامل موجودیت ارتش سرخ درافغانستان
- اشغال لانه جاسوسی مزدوران وطن فروش پرچمی
- قطع روابط سیاسی باکشورهای کوستاریکا و
- سفید پوشان سیه کار
- تحریک ارتشا تو توری های خپلی
- حماسه سازان سنگرهای اسلام
- خون وپیام ، شهید انجنیر حامد الله

سفید پوشان سیه کار

نهضت اسلامی افغانستان از سرآغـاز انقلاب خونبار اسلامی کشور باز تاامروز که خم وپیچهای دشواری راتا رسید ن به مرحله کنونی طی نموده ونشیب وفرا ز های صعب العبوری را درین مسیر پشت سر گذاشته ، ضربات سنگینی را ا ز دشمنان شناخته شده ونا مرئی متحمل گردیده است . ولی آنچـه درین میان بیشتر از همه دردبارتر بوده حرکا ت توطئه امیز ودلتباریست که بدست عده از روحانی مآبها ودرحقیقت دشمـن روحانیت متعـهد ومکتبی ودشمن عدالت وانصاف وبالاخـره دشمنان آزادی وطن براه افتیده است .

درقدم آول درین رابطه میتوان از آنهایی سخن گفت که جو بیمار نـفاق افگنی وتوطئه سازی را گسترش بخشیده وآتش اختلافات را دامن میزنند وبـا اعمال وحرکات خدا ناپسندانه خویـش ضربات مهلکی را بر پیکرنهضت وارد می آورند طوریکه تاکنون جز درهمین راه گام نگذاشته اند .

چهـره های کریه ء این سفیـد پوشان سیه کار رادر عقب هر حرکـت نامطلوب ، نا مشروع وناروا و هرحرکتـی که در جهت عکس منافع نهضت اسـلامی ما وآزادی کشوربراه می افتد ، باوضاحت میتوان مشاهـده کرد .

اگر بصورت کل عملکرد های چند یـن ساله اینان را که در چارچوبه قدرت طلبی ، خود خواهی ، مال پرستی ، قوم پرستی وسایر جهات انحر افـی صورت گـرفتـه اسـت مورد ارزیابی قرارد هیم به این حقیقت تلخ با وضاحت بر خواهیم خورد کـه که نزد اینان هیچ امری جز ارضـای غرایض شان که بعضی ازآنها را در بالا نام بردیم ، حایز ارزش نبوده و همه تلاشهایشان جـز درراه رسیدن به همین هدف طی این چند سال متمرکز نبوده است تا حدی کـه هرگاه پای منافع ، صلاحیت ، قدرت و . . . شخصی وفردی شان به میا ن

بقیه درصفحه ۸

دشمن نمیگذارد این ملت مومن به اساس پیوند ایمـانی خود تحت قیادت واحدی درچهارچوب تنظیم واحدی متحد شود

مجاهد حکمتیار

بسم الله الرحمن الرحیم

الصبح

الیس الصبح بقریب

آیا بامداد (پیروزی) نزدیک نیست ؟

نشریه حزب اسلامی افغانستان بخش اروپا

مبارزه کنونی مردم ما درچه جهت و برکدام مبناست ؟

مبارزه فرهنگی

از — ع — ج

شکی نیست که مبارزه فرهنگی بعد اصلی واساسی فعالیتها وتلاشهای یک نهضت و سازمان بویژه درحال نبرد و جهادرا تشکیل میدهد .

همچنان مساعی فرهنگیست که مبارزه ، جهاد و پیکار راجهت میبخشد و با همین وسیله است که اهداف ، آرمانها ، مرام خواستها و آرزوهای تحریک ونهضت به اعضاء ، هوا داران و سایر کسانیکه در مقام کنجکاوی قرار دارند ، رسانده میشود . اید ئولوژی و طرز فکر یک سازمان ، برنامه های حال و آینده طرز کار موجود و طرقی که جمعیت در آینده بدان توسل خواهد جست از همین راه درمعرض قضاوت افکار قرار — میگیرند که در رابطه با آن عکس العملهای مثبت و منفی قوه جذب و دفع و همچنان مواضع دوستان و دشمنان یک جمعیت و نهضت بر ملا و آشکار میشود .

عنصر مهم واساسی اینکه پخش ونشر اید ئولوژی وطرزفکر یک — سازمان از راه مبارزات فرهنگیست که جهاد گران ومبارزان را در راه تحقق آرمان شان یاری ورهنمایی مینماید . ازلغزش ها و خطا ها بازشان میدارد و در راه پیشرفت و توسعه حرکات واعمال شان ، تمام زوایای تاریک ود رظلمت فرورفته را برای شان روشن نموده و در راه تعیین شده ایکه باید با متانت و بدون انحراف پیموده شود مدد شان می نماید .

توده های آمی مردم بخصوص در کشور ما وکشورهای دیگر — مشرق زمین از اثر حاکمیت فضای شوم ومسموم کننده شرک — آلود تبعیضی بدست نوکران استعمار یک عمر در رتب ناآگاهی و بی خبری سوخته و از مکتب واید ئولوژی اسلام به نوع شایسته آن بهره نگرفته اند زیرا آنقدر در غم ود رد خویش فرو رفته بودند که تاب وتوان ارزیابی اوضاع حاکم وازجانب — دیگر کسب دانش اصیل اسلامی را ازدست داده بودند و آنچه هم داشتند در محدوده محدودی قرار می گرفت . البته این بدان معنی نیست که بااسلام بیگانه بوده اند بلکه منظورم اینست که وابستگان و ایادی استعمار را سعی برآن بود تا اسلام را عملا از صحنه زندگی دور و مردم را با جنبه های عملی و سازنده آن بیگانه نموده ودرعوض آن اید ئولوژی ها و مرام های انگارتبار بیگانه را بر تمام شئون — زندگی انفرادی و اجتماعی مردم مان حاکم گردانند .

تلاشها و مساعی دامنه دار حکام مزدور و ایادی دربار در بسط وگسترش مرامهای بیگانه بخصوص در ترویج جنبه — های فاسد و غیر اخلاقی آن عده زیادی از جوانان را در محیط های به اصطلاح فرهنگی دربرتگاه هولناک مفاسد سقوط داد تاجائیکه دیگر بااسلام بکلی بیگانه و با استعمار وابسته گردیدند .

این وابستگی تا حدی درعمق روح و احساسات آنان ریشه دوانده بود که هرگونه پابندی نه تنها با اسلام بلکه با جناحهای مثبت کلچر ورسوم مردم ما نرا نیز بمباد استهزاء میگرفتند و مردم را به سوی خویش و راه و روش بیگانگان که خود برگزیده بودند دعوت میکردند .

از طرف دیگر حکام خود کامه وقت نیز سعی میورزیدند تا مردم را د رنفر وتنگد ستی گذاشته و بدین وسیله از یکطرف از قیام آنان بر علیه خویش جلو گیری نمایند و از جانب دیگر آنها را متوجه دعوتهای شوم بیگانگان و بیگانه پرستانی نمایند که از نان وخانه ولباس سخن میگفتند .

زمامداران فاسد وقت را بخاطری این انگیزه وادار به همچو اعمال زشت می نمود که بقا ودوام خویش را درحاکمیت همچو فضا تصور میکردند و خوب میدانستند که اگر اسلام حیاتبخش و انقلابی بر تمام شئون زندگی معنوی و مادی مردم حکومت کند ، و مردم همه به اسلام آنطوریکه هست چنگ زنند دیگر بساط زمامداری و سلطه داری اینان رادرهم پیچیده و مردم خود تعیین کننده سر نوشت خویش به اساس دستورات قرآن خواهند بود و این چیزی است که استعمار و ایادی مزدور شان سخت ازآن هراس دارند .

اینجا بود همه آنهایی که به نحوی از انحاء به فرهنگ — استعمار چسپیده بودند و ازآن تغذیه میشدند تلاش می نمودند از پخش و گسترش فرهنگ اصیل وانقلابی اسلام در عمق جامعه اسلامی مان با آخرین توان وحربه در دست — داشته جلو گیری نمایند و نگذارند فریاد ها وناله های حق — طلبانه فرزندان راستین اسلام بگوش ملت برسد تابا قیام و بپاخیزی همگانی لانه های شیطانی وابستگان استکبارجهانی را به آتش بکشند و خود رااز شر ظلم و زور رهانیده ود رسایه عدالت اسلام به سوی کمال روند .

واضح است که با حاکمیت همه جانبه اسلام دستهای ظالم از سر مظلوم قطع و بخن ضعیف از پنجه های خونین زورگویان و ستمگران رهایی یافته و جای پایی برای استعمار گران و متجاوزان باقی نخواهد ماند زیرا —

— اسلام دین عزت و شرف است واسلام است که پیروانش را نه تنها از خضوع و کرنش و تواضع در برابرستمگران استعمارگر و زورمداران بازمیدارد بلکه علیه آنان مسلمانان رابه مبارزه و قیام دعوت میکند . اسلام خضوع وکرنش در برابر زور وظلم و ستم را ننگ شمرده ودر همه موارد آنرا به شدت زشت می داند .

در نظر اسلام تواضع و خضوع به استعمار و ایادی آن با کیفر و مؤاخذه سخت و شدید پرورد گار قهار مسا و بست . لهذا زمامداران جابر و خود کامه خوب میدانند که اگر اسلام انقلابی در جامعه تحقق یابد و مسلمانان با تمام جوانب فرهنگ انقلابی و سازنده اسلام آشنا گردند و آنرا در زندگی فردی و اجتماعی خویش برهمه امورحاکم گردانند ، دیگر نخواهند توانست از خون ملت درجهت امیال شیطانی شان بهره برداری نمایند وهستی مادی ومعنوی جامعه را فدای هوسهای شوم خود نموده و نیرو ها وتوانمندی های ملت را به منظور دست یافتن به اهداف پست و رزیلانه خویش بکار بندند .

بنا یگانه راهی که بقای خویش را درآن می بینند همانا بکار بستن شیوه ها و روشهایی است که مردم رابافرهنگ — اسلامی بیگانه نموده و برنامه های تو خالی استعمارگران را جایگزین آن نمایند . چنانچه این عمل غیر اسلامی را همه زمامداران مزدور وقت هریک در زمان خود انجام داد ند و تا توانستند اسلام را ضربه زدند و کسانیکه علم مبارزه در راه تحقق اسلام برافراشته بودند با اتهامات نهایت نا — جوانمردانه به غل و زنجیر کشیدند ویاهم شهید ساختند .

و اماندایی که برخاسته بود تااعماق جامعه ره گشود وفریاد های حق طلبانه مسلمانان مبارز همه دیوارهای کشیده شده را یکی پی دیگر شکست و بر گوش جان و روان مردم نشست . آنهایی را کهدر خواب غفلت فرو رفته بودند بیدار کرد وتکان داد واخطار کرد که بیش از آن غفلت وبی خبری کاردرا به استخوان رسانده ونا بودی همه ملت را به دنبال خواهد داشت .

آنهایی را که در مسیر راه بودند تحرک بیشتر بخشید تابه حرکت خویشها نیروی تازه تری وقدرت بیشتری سرعت بخشند وآنهایی را که در مسیر راه گم بودند ود روادی حیرت ود رماندگی گاهی به اینسو وزمانی به آنسود ست میاندا ختند توشه واندیشه داد ، اندیشه ایکه در پرتو آن وبانور آن راه را از چاه تشخیص نمود ه در پی به دست آوردن — آنچه که طی سالهای متمادی از دست داده بودند شدند خلاصه فریاد های :(برخیزید وبپاخیزید ای مسلمانان و . . . . .) از سلول های کشتارگاه پل چرخی وشکنجه گاه د همزنگ نیز به گوش ملت ره میگشود ورفت تا قیام همگانی ملت رابا قبول ایثارها وشهادتهای پی در پی در جهت د رهم کوبید ن کاخهای استبداد و الحاد با خود آورد وبازتا امروز پرندگان همان دعوتها هستند که بر پیکر کثیف خصم نابکار ضربه می زنند وتا جهان باقیست آن دعوت و فریاد نیز باقی خواهد بود .

امروز ملت ما درمسیری به حرکت درآمده که سالهای متمادی رافرزندان راستین اسلام به خاطر آن روزشماری — میکردند .

امروز امت مسلمان در جهتی گام بر میدارد که خداوند ج طی طریق دران رابه بندگان صالح خویش امر میفرمایند ولی نباید فراموش کرد کهمردم ما امروز بیشتر از دیروز به راهنمایی وراهیابی احتیاج وضرورت دارند وامکان لغزش وافتادنها امروز زیادتراز گذشته ها مطرح است . زیرا ابرقدرتهای استعماری روز که دشمنی وکینه شان بااسلام سابقه طولانی دارد وچون روزروشن ، آفتابی ونمایان است

بقیه در صفحه ۹

د روسی اجنټانو توری هلی ځلی

نن تولی نړی ته د کا ، گی ، بی اود سی آی ، ای د جلا دانو او د هغو مزدورانو اوتالوځتوتوری ځیری له ورایه ښکاره او غیرانسانی کرموره یی تولوته ځرگند دی .

ان تردی چه که د نړی په بوه گوټ کی څه پیښ شی نواکثریت تهلتر د یده پرته داسی نظر پیداشی چه په نوموړی پیښه کی ځامخاد پورتنیو وود ستگاوو د جاسوسانو لاس شته .

د کا ، گی ، بی د شیطانی د ستگاه کرغیړنه ځیره زمونږد هیواد وروستیو شلوکالو په بهد ول تولوته ځرگند ه کړه او هغه د ریا او تزویر پرده یی کومه چه کمونستانو د جهان د ولسونود غولونی لپاره پرځان راکښلی وه ځیری کړه اود دی نړیوال سریځورنظام اصلی اوحقیقی بڼه اوجنایتکارانه پلانونه یی په ښه د ول سرمرسوا کړل .

نیمه پیری د مخه د کا ، گی ، بی د جاسوسانوتوری هلی ځلی په افغانستان کی د هغود داخلی مزدورانو په مرستهروانی دی اونه یوازی د اچه د افغانستان مسلمان اومظلوم ولس یی په خپلووینوکی لمبولی دی چه په تولو سیمه اونړی کی یی راز راز خونړی پیښی اوبد مرغی رامنځ ته کړی دی .

د روسانولکه چه ځرگند شوی وی چه همدا د افغانستان مسلمان اومظلوم ولس و و چه د برطانوی استعمارگکری یی ورماته کړه اود کلونو په اوږد وکی یی د خپلووینو په ورکولواود سرپه قربانی د مبارزی په د گراود آزادی په سنگرکی د اسی د عبرت د رس ورکړوچه بیا یی نه یوازی په هند چه په نورو ترسلطی لاندی ملکونوکی هم پښی ټینگی نشوی .

همدارنگه لکه چه روسان اوس هم ند ی پوهید لی چه د ۱۳۵۲ کال یاد تورمخی اوجلاد د اود د حکومت له شروع څخه بیا تراوسه چه زمونږد مسلمان اواتل ولس سره مخامخ دی ، څومره شرموونکی ماتی یی خوړلی دی اوپه کومه اندازه په بین المللی د گرکی رسواشوید ی .

د نړی په تاریخ کی د یری بد مرغه پیښی د په نامه جنایتکارانو پلاس رامنځ ته شوید ی چه د نړی د ولسونو به یی بی شمیره قربانی اخیستی د ی .

د یری ناخوالی د فرعونانواود هغو د مزد ورانولخوا پرېی وزلو اوبی د فاعو خلکو تحمیل شوی . د زولنوشرنگهار ، د زندانونوتورتم ، د وهلو اوټکولو رنځونه اود ورانتیا اوویجاړتیانښی نښانی چه د هتلریانو او چنگیزیانو پلاس پربی وزلا نوراغلی دی بیا تراوسه د تاریخ په سینه کی پراته دی او پراته به وی ، خوپه نتیجه کی یریالیتوب د همد غومظلومانوپه برخه شوی او که خدای کول په برخه به یی وی .

نن هم د سره استعمار پلویان د اد نمرود اوفرعون پرمیرات ناست جلادان — هغه کوی چه په چنگیزی سیستم د خلکو وینی وزبیښی . په تیره بیایی تولو ته و ود ی ته متوجه کړی د ه چه د مسلمانانو اود اسلامی انقلابی اید ئولوژی په منځ کی فاصله رامنځ ته کړی تر څوخپلوناولو اوغیرانسانی هیلوته ورسیږی . ځکه د وی یوازی اسلام د خپلوهیلوپه لاره کی خند بولی اود اسلام د زور ، طاقت اوقوت نه ویره لری . په همدی خاطرخوبی پر افغانستان باندی حمله اوتجاوزکړی اوپه دی لاره کی یی له هیڅ د ول جلات څخه د ډ ه نده کړی .

د روسانواود هغود مزد ورانوهدف د اسلام له منځه وړل دی اود دی پلید مرام د ترلاسه کولوپه منظورهڅه کوی چه د مکتبی اومتعهد ومسلمانانود انقلابی تگ لاری اود مکتبی پلانونوپه لاره کی خند ونه رامنځ ته کړی . ځکه خوبی د افغانستان د اسلامی حزب له منځه وړلوته د خپلوشیطانی پلانونوپه سرلوحه کی ځای ورکړی دی اود یری توطئی اود سیسی یی هم د همدی مقصد دلاس ته راوړلو لپاره رامنځ ته کړی چه د الله په فضل تولی شندی شوی اوشندی به شی .

په پښاورکی د روسی اجنټانو ناکامو اوتوروهلوځلوهم همداهدف له ځانه سره لرلوچه د خدای په فضل ناکامه شو . د کا ، گی ، بی مزد ورانوغوښتل چه (د جولای ۲۸) د یوی توپوتاپه پارکولو سره د افغانستان د اسلامی حزب د دفتر ترڅنگه ، چه په هغه کی انقلابی مواد — ځای په ځای شوی وو ، حزب ته د سر اومال تاوان واړوی .

د وی لکه چه په وارو شرمید لی د ی بیا هم په بین المللی د گرکی د د ی تروریستی عمل په سبب نه یوازی د اچه رسوا شول چه زمونږ مجاهد وورونوته یی هم کوچنی تاوان وانه اړول شو .

څرنگه چه الله پاک د خپلو مؤمنو او هد فمند و بند گانوساتونکی دی نو نه یوازی د اچه د اتوری هلی ځلی به لکه چه تراوسه ناکامی شوی دی نتیجه ورنکړی ، چه زمونږد ریځ اومبارزه به لا هم ټینګه کړی .

زمونږ اسلامی حزب چه د اسلام د اصولو په بنا ، بنا شوی اود اسلامی اید ئولوژی د تحقق اوحاکمیت په لاره کی مبارزه کوی ، د امبارزه به که خدای کول ترهغه جاری وساتی چه خپلو اسلامی انقلابی هیلو او اهد افوته ورسیږی .

د اخوواضح خبره د ه چه د اسلام د دښمنانو په دی لاره کی مونږته پرخند ونه رامنځ ته کوی لکه چه تراوسه یی کړی دی مگر د اهم باید وواپو چه مونږ له خپل خدای سره وعده کړی ده چه ترهغه وخته به وسله پرځمکه کښینږد وترڅوچه مو اسلامی حکومت ته په افغانستان کی

تحقق نه وی ورکړی اووطن مود د ښمنانو نه نوی آزاد کړی . انشاءالله

وصباد اشمارا دشمنی وبدگوئی وبدخواهی قومی بجرم وگناه وادار سازد
که به عدالت رفتار نکنید شما به عدالت رفتار کنید که آن به تقوا
نزدیک تراست

قران مجید سوره توبه — ۷۱

خوانندگان عزیز اینک به سلسله نشر مصاحبه های برادران رزمنده خود درین شماره مصاحبه خبرنگارالصبح را با برادر مجاهد مانځ انجنیر مقیم، خدمت تان تقدیم میداریم .

مصاحبه با قوماندان غیور سپاه اسلام
برادر مجاهد عبدالمقیم

بسم الله الرحمن الرحیم

برادر محترم، لطفا خود را برای خوانندگان الصبح معرفی نمائید .

اسم اصلی من عبدالخالق واسم فرعی ام عبدالمقیم است . تعلیمات ابتدائیه را درابتدائیه بالا ده پلخمری به انجام رساندم ومتوسطه را الی صنف نهم در صنعتی بغلان وهمچنان تعلیمات ثانوی را در لیسه زراعت به انجام رسانده واز آنجا شامل پوهنځی زراعت پوهنتون کابل گردیدم با بوقوع پیوستن کودتای ننگین هفت ثور که در آن زمان در صنف سوم پوهنځی بود م تحصیل را ترک گفته و به پاکستان مهاجر گردیدم . چند ماهی در پاکستان ماندم ودر میزان همانسال (۵۷) به جبهه عزیمت نمودم .

* شما از کدام زمان جهاد مسلحانه را آغاز نمود ودر چارچوب کدام سازمان فعالیت نموده اید ؟

از سال ۱۳۵۷ به جهاد مسلحانه پرداخته وبه حیث عضو حزب اسلامی افغانستان فعالیت نموده ام .

* شما پیروی از این نهضت را کی واز کجا آغاز نموده وطی این مدت چه نوع فعالیتهایی را اعم از سیاسی و فرهنگی انجام داده اید ؟

در سال ۱۳۵۴ در بغلان به نهضت پیوسته ام وقبل از مداخله مستقیم روسها با برادران در ارتباط بوده و ارتباط ما نیز به اساس مسایل فرهنگی بود ومردم را به مبارزه دعوت میکردیم وبه آنها گوشزد مینمودیم که در کشور فعالیتهای کمونستی گسترش یافته وآزادی واستقلال کشور را با خطر مواجه گردانیده است . ما در همین جهت کار کرده ومردم را به حزب اسلامی دعوت وجذب مینمودیم .

همچنان گروپهایی را سازمانده‌ی نموده و فعالیتهای فرهنگی را در ولایت بغلان خصوصاً در ساحه پلخمری آغاز نمودیم .

* تا کنون در چند عملیات مستقیماً شرکت جسته اید ؟

در عملیات زیادی شرکت کرده ام زیرا منطقه ما (وحدت) از نظر ستراتژیک دارای اهمیت زیادی بوده وایجاب فعالیتهای دائمی برادران مجاهد را میکند زیرا تعداد زیادی از مهمات ووسایل نظامی دشمن که از روسیه واز طریق حیرتان وارد خاک ما میشود ازهمین مسیر میگذرد ودرین مسیر (حیرتان ـ پلخمری) برادران حزب اسلامی افغانستان فعالیت دارند که به اینترتیب بصورت دائم باید با روسها در زد وخورد باشیم وبنده که به حیث قوماندان برادران درین منطقه ایفای وظیفه مینمایم در اکثر عملیات شرکت داشته ام .

* تحت قومانده شما چند نفر مجاهد فعالیت مینمایند ؟

هشت گروپ مسلح تحت قوماندمن فعالیت مینماید وهر گروپ دارای ۳۵ الی ۴۰ نفر است که مجموعاً به ۳۵۰ نفر میرسند .

* شما تا حال غنایمی هم بدست آورده اید ؟

بلی به غنایم زیادی دست یافته ایم و میتوانم بگویم که انواع سلاحهای سبک وسنگین روسی را توانسته ایم به غنیمت بگیریم .

* تعداد تلفات دشمن را در منطقه خویش چند نفر میدانید ؟

۵۰۰ نفر از روسها وپرچمیها در منطقه ما به هلاکت رسیده اند .

* میتوانید اندازه سلاحهای تخریب شده دشمن را در منطقه خود تخمین نمائید ؟

سلاحهای زیادی بدست مجاهدین درمنطقه تخریب گردیده و به نظر من مهمترین آنها دستگاه مخابراتی مجهز ومدرن دشمن در پلخمری بود که توسط برادران مجاهد با همه لوازمش به آتش کشیده شد .

همچنان تعداد زیادی از پوسته های دشمن منهدم گردیده که اگر هر کدام آنرا نام ببرم وقت زیادی را دربر خواهد گرفت .

علاوه باید کرد همه مناطقی را که روسها تحت کنترول داشتند مجاهدین به یاری خدا آزاد نموده واکنون تحت کنترول مجاهدین قرار دارند وکمونستها همه درین منطقه به هلاکت رسیده اند .

* تعداد شهدا درین منطقه به چند نفر میرسد ؟

تعداد شهدای برادران مجاهد ۷۰ تن از برادران مجاهد ما درین منطقه به شهادت رسیده اند وضمناً ۳۲۰ نفر از افراد بی دفاع این منطقه اعم از طفل وزن و افراد کلان سن نیز به شهادت رسیده اند .

* میتوانید مناطق آزاد شده را معرفی نمائید ؟

بلی مناطقی را که نام میبرم ازجمله مناطقیست که بدست مجاهدین آزاد گردیده واکنون در تحت کنترول مجاهدین قرار دارند واز آن جمله است قریه شهاب الدین، حوضه عمرخیل ازغری، اکاخیل، قریه ساقی قریه منگل، قریه قندهاری، قریه شامرد مربوطه پل ایشان، قریه ولی دند غوری، مناطق اطراف مکتب برشمال، حصه های اطراف چشم شیر حصه غرب سرک قیر پلخمری وغیره همه از روسها آزاد شده اند .

بطور خلاصه میتوان گفت که دشمن تنها برجاده تدارکاتی وخود شهر پلخمری تسلط دارد که آنهم مورد حملات دائمی مجاهدین ما قراردارد واز پوسته های دشمن تنها دو پوسته یکی بر شمال که در حدود ۳۰ تانک دشمن درآن استقرار یافته ودیگری هم چشم شیر است. روسها همچنان برای نگهبانی پایپ لاینی که درین منطقه کشیده اند الی ساعت ۳ روز در هر ۵۰۰ متر تانکی را جابجا مینمایند ولی بعد از ساعت ۳ وقتی که حملات مجاهدین ما آغاز میگردد آنها منطقه را ترک گفته وفرار امینمایند

حماسه سازان سنگرهای اسلام

* برخورد گروپهایی که شامل اتحاد هستند در منطقه چه نوع است ؟

درمنطقه ماهمه با حزب اسلامی افغانستان ارتباط دارند واز سازمانهای دیگر کسی وجود ندارد . تنها یک عده با حزب اسلامی مولوی خالص در ارتباط اند که آنها هم روششان بابرادران حزب اسلامی ماکاملاً خوب وصمیمانه بوده واست وهمه درسنگر واحدی علیه دشمن مبارزه مینمائیم واختلافی تا کنون درمین ما بوجود نیامده وانشاءالله بوجود نخواهد آمد .

* میتوانید درر رابطه با افرادی که در دستگاه دولت کابل فعالیت نموده وبا سازمانهای مهاجر نیز درارتباط باشند، چیزی بگوئید ؟

بلی یکی از آن جمله منشی ولایت بغلان است که سلطان محمد نام دارد ودرغیاب والی وظیفه ولایت را هم انجام میدهد . وی مهر وتاپه جبهه نجات ملی به رهبری صبغت الله مجددی را نیزدراختیار دارد که هم کارهای دولتی وهم کارهای مربوط به جبهه نجات ملی را انجام میدهد .

شخص دیگری هم به نام پیر پاچا است که شاروالی ولایت بغلان را عهده دار بوده و درعین زمان قوماندان عمومی محاذ ملی افغانستان نیز میباشد وی تانکها وجیپ های روسی زیادی دراختیار دارد .

به عبارت دیگر میتوان گفت که اوهم نماینده افندی وهم نماینده کارمل است . ولی از نظر ما فرق بین این دو جریان وکارملیهای وطن فروش وجود ندارد . زیرااینان درعین دفتر همبرای کارمل وهم برای افندی ومجددی فعالیت نموده وعلیه مسلمانان جبهه مشترکی را تشکیل داده اند وماهم با همه شان درمبارزه بوده وخواهیم بود . زیرا حدیث پیامبر بزرگواراسلام است که : " کسی که به نفع کفر وظلم کار میکند از امت ما نیست . . "

ضمناً باید گفت که فعالیت آنان نیز در محدوده منطقه‌تحت تسلط دولت است وواضح است آنگاهیکه برادران ما پایگاههای دشمن را مورد حمله قرار میدهند دارو دسته این دو سازمان خود بخود متضرر میگردند زیرا درپناه دولت کابل بسر میبرند .

* لطفاً درباره آخرین عملیات تان به ما معلومات بدهید ؟

ما درین اواخر به دو عملیات برجسته دست زدیم که یکی آن در میزان سال ۶۱ صورت گرفت قسمی که روزی در مناطق مربوط به قریه ازغری درحالیکه چند نفر محدود بودیم مورد حمله روسها قرار گرفتیم . حمله آنها وقتی آغاز گردید که یکی ازمجاهدین هنگامیکه میخواست وضو بگیرد محاصره شد وبه تسلیم شدن تهدید شد کرد نشد ولی وی با فریاد رسا ما را در جریان گذاشت وبه این طور درگیری آغازگردید درنتیجه مقاومت شدید برادران مجاهد روسها وپرچمیها شکست خوردند .

درین درگیری ۳۲ تن روسی و۱۵ تن از پرچمیها به هلاکت رسیدند ودو برادر مجاهد ما نیز به شهادت رسیدند . همچنان سه میل ماشیندار سقیل و خفیف، تعداد زیاد مرمی ودو میل راکت پلاستیکی بطور غنیمت بدست ما افتاد .

عملیات دیگری که در عقرب سال جاری صورت گرفت عبارت است از حمله برادران مجاهد ما بالای دو پوسته دشمن که جمعاً ۷۰ نفر پرچمی در آنها جابجا شده بودند که به اثر حمله برق آسای مجاهدین همه به هلاکت رسیدند که در نتیجه یکصد و بیست هزار فیر مرمی، ۱۲۰ میل کلاشینکوف، یکمیل دی پی، دو میل چره یی، شش میل کره بین و۵ میل تفنگ بالا زن با مقدار زیادی پول بدست برادران مجاهد افتاد . برادران مجاهد ما از فضل خداوند (ج) همه در پایان حمله سالم به پایگاه خویش باز گشتند .

* چه نوع پلانهایی در آینده روی دست دارید ؟

پلان آینده ما درمسیر انقلاب اسلامی رویارویی با دشمن وپیکار درجهت تحقق حاکمیت اسلام وآزادی افغانستان است. تا جائیکه اگر یکنفر مجاهد هم در افغانستان ودرمنطقه بماند در مقابل دشمن خواهد جنگید وتا آخرین لحظه حیات به خاطر انتقام خون شهدا وحاکمیت قرآن علیه روسها ومزدورانشان مبارزه خواهیم کرد .

* درباره آینده افغانستان چه فکر میکنید ؟

افغانستان خواهی نخواهی آزاد شدنیست وپلانهای شوم دشمنان روسی، امریکایی وچینایی ماهمه انشاءالله خنثی خواهد شد وافغانستان آینده افغانستان آزاد واسلامی بوده وقوانین اسلام درآن حاکم خواهد بود .

* لطفاً اگر خاطره داشته باشید بازگو کنید ؟

خاطره من از هجوم وحشیانه هوایی دشمن سفاک بر مردم بی دفاع قریه شهاب الدین‌واطراف آن ناشی میشود که یاد آن‌هم اکنون نیز مو بر اندام راست نموده وانسان را دگرگون میسازد .

این فاجعه در یکی از روزهای سال ۱۰۶ در حالیکه در یکی از مناطق دور دست کوهی مشغول تمرین بودیم اتفاق افتاد طوریکه حین تمرین غرش طیاره های دشمن بگوش‌رسید وما به خاطر احتیاط آن محل را ترک گفته وبه محل دیگری رفتیم . بعد از مدتی مشاهده نمودیم که طیاره ها مذکور قریه شهاب الدین واطراف آن را مورد بمباران قرار داده است .

به اساس شمارش یکتن از مجاهدین مجموعا ۳۲ هلیکوپتر و۴ فروند جت دشمن درین بمباران شرکت داشتند

بقیه درصفحه ۱۰

برادر شجاع ومجاهد دلیر وقوماندان حماسه ساز حزب اسلامی افغانستان مصطفی "بدر"

جسورن محمد قاسم ازبرادران ورزیده وپیکارگر ویکتن از قوماندانان غیور حزب اسلامی افغانستان .

همه اشتباهات ازیک اشتباه اساسی سرچشمه میگیرد وآنهم پی نبردن به اسلام وراه عملی آن است

شهید سید قطب

به سلسلهٔ بحثهای ایدئولوژیک

اهمیت اقتصاد در اسلام و کمونزم

از استاد عبدالرحیم نیازی

پیوست به گذشته

آیا اسلام خواهان نظام طبقاتیست

اعتراض کمونستها بر دین اسلام :

موضوع عنوان شده در فوق را می خواهم توضیح نموده و اعتراضات کمونستها را مبنی بر اینکه : "دین اسلام طرفدار نظام طبقاتیست . یعنی اینکه در جامعه اسلامی عده" دارای سرمایه های هنگفت وصاحب همه چیز ودیگران همه محروم ومحتاج به آنها بوده ، رابیان نمائیم . همچنان این مطلب را که می گویند : "دین اسلام مالکیت فردی را تائید نموده" نیز روشن نموده وآنگاه اگر خداوند (ج) توفیق عنایت فرمودند به همه" این اعتراضات جواب خواهیم داد واکنون میپردازیم به اعتراضات کمونستها :

۱ـ کمونستها عنوان میکنند که بررسی جهان امروز نشان میدهد که کشورهای اسلامی از یکطرف عقب مانده اند واز جانب دیگر درین کشورها عیناً مانند جوامع سرمایه داری غرب عده محدودی خیلی غنی و ثروتمند وبقیه مردم همه در فقر ومحرومیت بسر میبرند واین طبعاً از اثر گذاری قانونمندی اسلام است که در جوامع مذکور حاکمیت دارد .

۲ـ دین اسلام مالکیت فردی راتائید نموده است یعنی اینکه هرفرد میتواند ثروت ودارایی شخصی داشته باشد که درین صورت مالکیت فردی خود زمینه سازی بوجود آمدن نظام طبقاتی میگردد واین خود دلیل صحه گذاشتن اسلام بر نظام طبقاتیست .

۳ـ کمونستها در رابطه با اینکه اسلام نظام طبقاتی را تائید نموده بر آیاتی چند از قرآن کریم استناد نموده وآنها را به حیث دلیل می آورند چنانچه میگویند که خداوند (ج) در قرآن می فرمایند :"والله فضل بعضکم علی بعض فی الرزق ، فما الذی فضلوا برادی ارزقهم علی ما ملکت ایمانهم فهم فیه سواء ط فبنعمة الله یجحدون "

النحل ۷۱

(وخدا برتری داد گروهی از شما را بر گروهی در روزی پس نیستند آنانیکه برتر شدند برگرداننده روزی خویش بر آنچه دارا هست به مملوکات (بردگان) شان که باشند ایشان در آن یکسان پس آیا نعمت خدا را نادیده گیرند .)

وهمچنان در آیه" دیگری میفرمایند: "اهم یقسمون رحمت ربک ، نحن قسمنا بینهم معیشتهم فی الحیوة الدنیا ورفعنا بعضهم فوق بعض درجات لیتخذ بعضهم بعضاً سخریا ورحمت ربک خیر مما یجمعون .

الزخرف ۳۲

(آیا آنان پخش کنند رحمت پروردگار ترا ، ما قسمت کردیم میان ایشان روزی ایشان را در زندگانی دنیا وبرتری دادیم برخی از ایشان را بر برخی در پایه ها تا بگیرند بعضی از آنان بعضی را مسخر ، ورحمت پروردگار تو بهتر است از آنچه گرد آورند .)

کمونستها ادعا مینمایند که از آیات متذکره چنین معلوم میگردد که خداوند (ج) خود در روزی بندگان خویش ـ تفاوت آورده . وقتی که کمونستها از این تفاوت نظام طبقاتی را استنباط میکنند میگویند که اسلام نظام طبقاتی را تائید نموده است . واز آنجائیکه نظام طبقاتی نظام منفوریست وسبب غصب حقوق واستثمار طبقات محروم میگردد واسلام هم که روی آن صحه گذاشته خود دشمن طبقات محروم ـ است .

جواب نخستین اعتراض :

اینکه چرا کشورهای اسلامی عقب مانده اند خود موضوع فوق العاده جالب ودر خور اهمیت است ودلایل آن نیز کاملاً واضح است وتاریخ بیانگر حقیقت روشن وکاملی درین مورد است ومنهم فعلاً نمیخواهم در رابطه با این موضوع صحبت نمایم زیرا در آنصورت از موضوع اصلی مورد بحث بدور خواهیم رفت وبه یاری خداوند متعال (در روشنی نور هدایت ومبارزه سرسختانه در راه اسلام وایمان) در آینده در رابطه با این موضوع بحث خواهیم کرد . واما فعلاً از انظر ارتباط با موضوع باید گفت که عقب ماندن کشور های اسلامی واینکه در کشور های موصوف همانند جوامع سرمایه داری غرب افراد به طبقات تقسیم گردیده اند ، دلیل آن نمیتواند باشد که قانونمندی اسلام ضعیف ویا بی کفایت است . زیرا این قانون کلیست وهمه مردم دارای هر نوع عقیده ایکه باشند این حقیقت را میپذیرند که نمیتوان اعمال (انحرافی) مردم را به حساب قانون گذاشت بلکه قانون تشخیص دهنده اعمال مردم است .

بطور مثال قتل طی هر قانونی اسلام ویا کمونزم ویا قانون دیگری ناروا وعمل غیر انسانیست ولی افراد زیادی وجود دارند که در افغانستان ، روسیه ، چین وکشور های دیگر مرتکب قتل میگردند پس آیا دست زدن به قتل توسط آن عده دلیل بر این است که قوانین حاکم بر کشور های مذکور قتل را قدغن ننموده ویا اینکه از نظر قوانین مذکور آنهائیکه مرتکب قتل میگردند افراد ناشایست وقانون شکن اند ؟ که قانون را باید بالای شان تطبیق نمود .

من متیقنم که همه با من درین مورد که افراد مذکور (قاتلین) افراد ناشایست ومجرم بوده وقانون باید آنها را به سزای اعمالشان برساند ، هم نظر وموافق خواهند بود .

از طرف دیگر اگر درین جوامع حکومتها قوانین را بمعرض تطبیق نمی گذارند وقاتلان را یاری نموده آنها را بدون مجازات آزاد میگذارند ، آیا تقصیر وگناه درین صورت متوجه کیست ؟ متوجه قانون ویا حاکم ؟ یقیناً که هیچکس تردید ومخالفتی درین مورد نخواهد داشت که این گناه ، نقص ، ظلم وبی کفایتی حاکم است که قاتل را بدون مجازات گذاشته واز عمل ناشایست آن جلو گیری نمی نماید .

همچنان در رابطه با عقب ماندگی وحاکمیت نظامهای طبقاتی در کشورهای اسلامی باید گفت که این نقص بی کفایتی وخیانت متوجه مردم بخصوص حکومتهای آنهاست که اسلام را عملی نه نموده اند به مردم موافق با قانون اسلام حق نداده اند ، اسلام را برمحور منافع خویش چرخانده اند ، اسلام را به مفهوم واقعی آن به مردم معرفی ننموده اند ویا اسلام را به غلط ویا مفهوم غیر واقعی به مردم معرفی کرده اند که در نتیجه باعث بوجود آمدن اینهمه بد بختی گردیده اند .

زیرا هر قانون هرچند مترقی وقابل ستایش باشد ولی اگر زمینه تطبیق نیابد قانون خود بخود نمیتواند افراد را خوشبخت گرداند زیرا قانون مفاهیم ومطالبی روی کاغذ چیز دیگری نبوده و تطبیق آن وظیفه حکومتهاست .

قرآن کریم هم قانون متعالی ، آسمانی مترقی وضامن سعادت همه" افراد بشر است که خداوند (ج) بر بندگانش فرو فرستاده وبه حکومتها وظیفه داده اند تا احکام آنرا تطبیق نمایند اینکه زمینه را برایش آماده نمی سازند گناه وتقصیر از کیست؟

بطور مثال ، بر همه عیان است که اسلام قتل ، زنا ، شراب ، قیمار ، غصب حقوق دیگران ، دروغ گفتن ، تجاوز نمودن رشوه گرفتن ، بی رحمی ، بی عدالتی واعمال زشت دیگر را ناروا وممنوع اعلام نموده وبه حکومات اسلامی در محدوده معین قانونی صلاحیت داده که اگر باآنهم افرادی همچو اعمال زشتی را مرتکب میگردند ، آنها را مجازات نمایند ولی امروز ما در جامعه اسلامی خویش (منظور استاد زمانیست که خود شان حیات داشتند) همه این اعمال زشت را شاهد یم که جامعه مارا در بر گرفته وکسی هم مانع از آن نیست . حتی حکومت که وظیفه" جلوگیری از آن را بعهده دارد خود بیشتر از همه بدان مبادرت میورزد . حالا ما تقصیر را بردوش کی بگذاریم ؟ بهتر است جواب این پرسش را بر عهده" کمونستها بگذارم .

کمونستها شاید بگویند که دین اسلام یک برنامه خیالی بوده وقابل تطبیق (در جامعه) نیست درغیر آن چرا تطبیق نمیگردد ؟

گرچه جواب دادن به این پرسش خیلی مفصل است ولی من درین رابطه همینقدر میخواهم بگویم که تاریخ اسلام درین مورد وضاحت کامل دارد . به این مفهوم که در زمان پیامبر بزرگوار و برگزیده" اسلام وبعد از آنحضرت (ص) زمانیکه خلفای صادق وواقعی رشته" امور را در دست ووظیفه تطبیق اسلام را برعهده داشتند ، اسلام کاملاً تطبیق گردیده وهمه معترف به این حقیقت اند . واعتراف می نمایند که احکام اسلام واقعاً تطبیق گردیده ومردم هم بدون احساس تکلیف از آن اطاعت مینمودند وامروز هم که انسان همان انسان با همان طبیعت است چرا باید اسلام تطبیق نگردد . وگذشته از آن دین مبین اسلام دارای احکام محدودی نیست که فقط برای ازبین بردن عادات زشت وانحرافی اعراب قبل از اسلام نازل گردیده باشد که با از بین رفتن آنها دیگر اسلام زمینه تطبیق خود را از دست بدهد وبرای حالات دیگر چیزی با خود نداشته باشد ، بلکه دین اسلام دین ابدی وجهانیست که خداوند متعال آنرا برای سعادت همه" بندگانش فرو فرستاده اند . چنانچه خداوند (ج) به پیامبر بزرگوار اسلام درین زمینه میفرمایند : " ای پیامبر ما تو را بر همه" مردم فرستاده ایم ."

در آیه" دیگری به محمد (ص) چنین خطاب میفرمایند : " ما تورا چون رحمتی بر همه" عالمیان فرستاده ایم" واین سخن را آنکس نیکوتر میداند که اسلام را مطالعه نموده واز احکام جامع آن آگاهی داشته باشد وهمچو شخصی را اسلام در شئون مختلف زندگی از اقتصاد تا سیاست وزندگی خانوادگی ، عملکرد اجتماعی ، نشست وبرخاست وحتی طریق سخن گفتن و موارد دیگر راهنمایی می نماید . و آنهایی که از اسلام آگاهی ندارند وبه اساس تبلیغات سوء" ونادرست مشتی از کمونستهای خاین وجاهل به انحراف رفته وگمراه شده اند حق ندارند علیه اسلام پروپاگند کنند زیرا اینان نادانند واز اسلام چیزی نمیدانند . باآنهم اینها می توانند اسلام را مورد مطالعه دقیق قرار دهند وآثار اسلامی را که به لسانهای خود ما وخیلی ساده نگاشته شده اند مطالعه کنند تا به رفع اشتباهات خویش پی ببرند .

من متیقنم وهر مسلمان هم باید به این امر یقین داشته باشد که وعده" پروردگار برحق وشکست ناپذیر است وخداوند بر همه چیز توانا وقادر است دین اسلام در حالیکه عظمت قرآنکریم این کتاب جامع را بیان میدارد چنین میگوید : "قرآن بیانگر همه چیز است وهرچیز در آن وجود دارد ." خداوند متعال خود حافظ آن (انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون) بوده ومی فرمایند که موضوع کهنگی بر احکام قرآنی بی تاثیر بوده وخواهد بود". وحقاً که چنین است .

از جانب دیگر آنهمه فجایع وبدبختیهایی که در دوران جاهلیت در اعراب وجود داشت اسلام بر همه آنها خط بطلان کشید واز بین برد . ولی این مطلب نیز در خور اهمیت است که امروز هم آثار آن فجایع البته در لباس های دیگری از قبیل سیاست وغیره به مشاهده میرسد که اسلام نه تنها آنرا مردود میداند که علیه آنها به مبارزه برخاسته وبه این مبارزه ادامه خواهد داد . بنابران چون اسلام عملاً تطبیق گردیده امروز وهر زمان دیگر هم قابل تطبیق بوده وخواهد بود . بخصوص امروز که برای آن نیاز شدید احساس میگردد وامید است به اثر همت وجهاد برادران مبارز هر چه زود تر زمینه تطبیق آن فراهم گردد وحتماً هم فراهم شد نیست نهایت ایمان قوی وهمت اسلامی جوانان مسلمان وپروانه های اسلام را خواهان است .

مطلب دیگری که قابل یاد آوریست ـ این است که اسلام مسوول تبلیغات ـ

بقیه در صفحه ۸

برای مصالح آمریکا وبرای منافع روس درین منطقه این بزرگترین خطر است
که یک حکومت اسلامی صددرصد که چهارسال وهشت ماه را درسنگرها
علیه ابرقدرت روس باپیروزی وموفقیت گذشتانده باشد بوجود بیاید .
مجاهد قلم ...

بقیه ازصفحه اول

قطع روابط سیاسی باکشورهای کوستاریکا..

صهیونزم بکار افتیده که درپی ازبین بردن اماکن دیگر مقدسه مسلمانان نیز بوده واست واین امر را میتوان در اعمال شیطانی اسلام زدایی شان در سرزمینهای اشغالی با وضاحت تشخیص داد .

موشه دایان در ۱۹۶۷ (روزغصب بیت المقدس) گفته بود : " اینک راه مابسوی مکه ومدینه گشوده شد . . "
جمله فوق بیانگر این حقیقت است که صهیونزم اسرائیل درجهت دشمنی با اسلام ومسلمانان در صورت غفلت بیشتر مسلمانها نه تنها به مبدل ساختن بیت المقدس به حیث معبد یهود اکتفا نخواهد کرد که سایر اماکن مقدس مارا نیز مورد تهدید قرار خواهد داد وتانابودی کامل اسلام ومسلمین به پیش خواهد رفت . بناءً به هر اندازه اینکه توطئه ها وتوسعه طلبیهای اسرائیل با سهل انگاریها وبی تفاوتیهای مسلمانان روبرو گردد به همان اندازه صهیونستها در برنامه های اسلام زدائی واشغال سرزمینهای اسلامی شان موفق خواهند بود . از همین جاست که هر گام مثبت علیه صهیونزم اسرائیل از جانب مسلمانان را باید ستود ودر جهت استحکام آن تلاش باید کرد ولی این موضوع را نیز باید به خاطر داشت که تنها صهیونزم دشمن اسلام نیست بلکه امروز اسلام از هر زمان دیگر با دشمنان زیادی روبروست که در راس همهٔ شان امپریالزم روسی قرار دارد وبا حیله های سخت مزورانه سالهاست درجهت نابودی مسلمانان واز بین بردن اسلام تلاش مینماید .

این تلاشها گاهی چنان با خون ریزی ، خشونت وجنایت همراه بود ه که میلیونها مسلمان بیدفاع را به خاک وخون کشانده که نمونهٔ برجسته آنرا درریاستهای محکوم اسلامی در آسیای میانه وافغانستان میتوان به مشاهده نشست .

سردمداران کرملین از روز به قدرت رسیدن رژیم منفور کمونزم تا امروز ازدست زدن به هیچنوع جنایتی علیه اسلام و مسلمانان ابا نورزیده اند وهمه بدبختی های که امروز دامنگیر جوامع اسلامیست روسیه سهم بزرگتر از همه را درآن دار است . نه تنها در جوامع اسلامی که در سطح بین المللی عامل اصلی همه حوادث درد باروفاجعه انگیز درپهلوی امپریالزم امریکا میباشد

واما عده از همین کشور های اسلامی دربرابر قتل عام ملت مسلمان افغانستان وویرانی این کشور اسلامی نه تنها بی تفاوت نبوده اند که بر این جنایت بزرگ وسیاه تاریخی توسط ارتش سرخ در افغانستان صحه هم گذاشته اند . وتازه آنهایی هم که ازکوچهٔ بی تفاوتی با پخش اعلامیه ها وسخنرانیها به جادهٔ شناخت مسوولیت گام گذاشته اند نه تنها با روسیه جنایتکار که با دست نشاندگان شان درکابل هم روابط سیاسی را هنوز حفظ نموده اند واین درحالیست که یک میلیون مسلمان بدست دژخیمان سرخ درافغانستان خونین به خاک وخون کشانده شده وبیشتر از ۶ میلیون دیگر هم با عالمی از مشقت در دیار آوارگی بسر میبرند .

دردانگیزتر اینکه عده از سردمداران کشور های اسلامی هم اکنون سعی دارند بیشتر از پیش به کرملین نزدیک گردند وملتهای شانرا هرچه مستحکمتر به زنجیر های اسارت استبداد سرخ ببندند . ولی در جای دیگر همین خودکامگان وقلدران زمانیکه نفع فردی شان ایجاب میکند هم مسلمان میشوند وهم سنگ اسلام انقلابی را برسینه میکوبند وهم شعار حمایت از اسلام ومسلمانان را سر میدهند .

چه جنایتی بزرگتر از این که نابودی مظلومی را بدست ظالمی به تماشا بنشینیم وعدالت وظلم را در جهان به خاطر حفظ مقام ومنزلت فردی خویش یکرنگ بدانیم ؟ ؟

ویا اینکه با حیله رعایت بیطرفی نابودی پارهٔ از تن امت اسلامی را نادیده گرفته وقتل عام وغارت وچپاول آنرا با نشر اعلامیهای همراهی نمائیم .
دردآورتر ازهمه اینکه امروز نظامیان ویتنامی ، کوبایی ، چکی ، آلمانی (آلمان شرق) وروسی شانه به شانهٔ هم به قتل وکشتار مردم افغانستان دست زده اند ودوشادوش هم درجهت تحقق بخشیدن وحاکمیت ایدئولوژی وبرنامه اسارتبار کمونزم نه تنها درافغانستان که درجهان مردم را به خاک وخون می کشانند . ولی کشورهای اسلامی اگر از افراد انگشت شماری که یار این انقلاب خونبار بوده وهستند بگذریم بقیه همه تماشاچی صحنه اند وبین حق وباطل ، تاریکی وروشنی تفاوتی راقابل نیستند . که این خود ازیکطرف نمایانگر فاصله انها از اسلام است واز جانب دیگر دیر یا زود بیماری بی تفاوتی ومرض نوکر منشی خود شانرا درکام این اژدهای خونخوار فرو خواهد برد .

ولی ما در هر حال آرزومند بیتا دیر نشده به خود آیند وبا درک وجایب ومسولیتهای خویش دررابطه با اسلام ومسلمانان قاطعانه عمل نمایند .

ملت مسلمان ومجاهد مادرحالیکه نیروپیکار برحق خویش راتا آخرین رمق حیات وبا قبول هرگونه ایثار واز خود گذری با وجود همهٔ مشکلاتش به پیش برده ومی برد ، آرزومند است سایر مسلمانان جهان باشناخت از دشمنان اسلام که امروز دیگرپوشیده هم نیستند خود را از شرآنها ونوکرانشان رهانیده ودرپی رفع نابسامانیهای حاکم بر جوامع خویش گردند واین ممکن نیست مگر هماهنگ با موازین انسانساز اسلام وهمگام باسایر برادران مسلمان بویژه به یاری خدا (ج) ومدد آنهایی کهسالهاست با جبر وزور وستم درمبارزاند ودرین مسیر با پیروزیهای چشم گیری دست یافته وحماسه های بزرگ تاریخ را ساخته اند .

بقیه ازصفحه نهم

مبارزه کنونی مردم ما درچه جهت وبر .

حماسه ها را میسازند ، لازم است درین جهت وبا در جهت پیشبرد این بُعد اساسی نیز به همان گونه عمل گردد

اگر بتوان یکملت وباهمهٔ مسلمانان جهان را کلاً متخصص علوم اسلامی ساخت ودرهمه امور به مرحله استادی اش رساند وهمه را متعهد ومکتبی بهار آورد که نعمتی ازین بیشتر وجود ندارد ودر برنامه کار هم به همین شکل باید جایش را حفظ نماید ، ولی سوال اینجاست کهدرشرایط کنونی امکان همچو خوشبختی وجود دارد یا خیر ، کهطبعاً جواب منفی خواهد بود . ولی مسأله بطور نسبی طرح گردیده است واز جانب دیگرشناخت متوسط ویا حد اقل نظر به شرایط مطرح است درحالیکه ضرورت شناخت و آگاهی کلی است وضمناً نباید فراموش کرد که این امر مهم ضرورت مبرم وحیاتی امروز جامعه ماست ومهم تر از همه چنانچه اشاره رفت این خواستاید یولوژی ومکتب ماست ولازمه بجا آوردن آن تلاشهای جدی ، درخورتوجه وایثارگرانه است .

همچنانیکه نمیتوان در ظلمت وتاریکی بدون نور راه را از چاه تشخیص داد وبدون راهنما در تاریکی تاهدف بطور مستقیم طی طریق نمود ، همچنان نمیتوان برنامه ای را بدون شناخت دقیق وعمیق وشناساندن آن برد یگران ومتعهد شدن درجهت پیاده کردن آن ویا دیگران رابدان متعهد گردانیدن وسوق دادن شان درهمان مسیر ، پیاده کرد ویا آنرا تحقق بخشید . بناءً برای تحقق بخشیدن برنامه ای البته به شکل همه جانبه آن باید شناخت کافی وهمه جانبه ای از آن داشت ودرصورت پیاده شدن آن باید دانست که چه ارمغانهایی نصیب مان میگردد ویا زیانهای واردهٔ درصورت عدم تحقق آن را برزندگی معنوی ومادی فرد وجامعه باید به درستی تشخیص داد . این جاست کهدست یافتن به این هدف باز هم ایجاب میکند هدف را برهمه شناساند وراههای رسیدن به آنرا به اساس دستور العملهایی که ارشاد گردیده ، برهمه واضح ساخت تا در جریان طی نمودن این مسیر ، عوامل بازدارنده نتوانند باعث خلل دراراده وتصمیم گردیده ودرفرجام به انحراف منجر گردند .

مبارزه بدون آگاهی وشناخت دقیق از هدفی که درراه آن سلاح برداشته ایم وتا سرحد ایثار جان ومال پیش می رویم ، نه تنها فرجام نیکو نخواهد داشت که از اسارتی به اسارت دیگر راه خواهد برد ویا به عباره دیگر از زیربار ان به زیر ناودان پناه بردن را خواهد ماند .

آدم کشتن ومسلح شدن وپیروزیهایی را کسب کردن و ویران کردن ونابود ساختن را میتوان با دادن قربانیهایی عملی ساخت ولی آنچه به این وسیله میسر نمی آید اینست که چرا باید کشت وچرا باید کشته شد ؟ ؟
مسأله مهم اینست که چطور باید آدم ساخت وچطور میتوان این سلاح رادر راه ساختن انسان وبرگردانیدن انسانیت به انسان وکرامت وشخصیت وشرافت به انسان ، بکار گرفت .

وهم چنان برنامه های آباد کردن وبارور ساختن رااز قبل باید آماده داشت وعلاوتاً شناخت عدالت از ظلم وشناخت صداقت از کذب وریا وتزویروشناخت حق از باطل را باید هم خود آموخت وهم بدیگران رساند .

رساندن پیام عدالت گستر اسلام وحاکمیت نظام اسلامی چیزی نیست که مانند مکاتب ساخته وپرداخته مادی تنها باید با زوروسرنیزه عملی گردد بلکه این مکتب الهی روی اساساتی بنا یافته که خود به دلها راه میگشاید وبه تسخیر قلبها می پردازد بشرط آنکه قلوب وافکار را از غبارهای تیره وتارشرک وکفر وتبعیض ونفاق وحسد وکینه وبغض وعداوت پاک نمائیم . و آنرا از تهٔ دل پذیرفته وبا صداقت امرش راعملی واز نواهی اش اجتناب نمائیم .

ما مسلمانان همچنانیکه به خاطر رهایی خویش ازچنگال اهریمنان بهقیامهای سرتاسری مسلحانه نیازمندیم به گسترش وپخش فرهنگ اصیل اسلامی که جهاد مسلحانه از آن آب می خورد نیاز مبرم تری داریم .

نتیجتاً باید تذکر داد کهپیروزی قاطع از آن آنانیست کهبا آگاهی از فرهنگ اصیل اسلامی در راه حاکمیت آن سلاح برداشته اند ومبارزه می نمایند ، نه از آن کسانی که باجهل کامل ویا بدون داشتن هدف ومرامی می کشند وکشته میشوند.

درمورد شیوههایی کهدر شرایط کنونی مارا درجهت گسترش فرهنگ اصیل وانسانساز اسلامی یاری میکند باید گفت کهاولاً از خود باید اغاز کرد ویا اینکه قدم اول راباید درجهت خود سازی برداشت تا بتوان برای ساختن دیگران آماده گرفت ، وخود باید آگاهی وشناخت لازم را بدست آورد تا بتوان بدیگران انتقال داد . وبالاخره مادامیکه ما خود را نساخته ایم ویا نتوانسته ایم بسازیم ، نخواهیم توانست دردیگران موثر واقع گردیده ویاآنها را درمسیر ایدیال به حرکت واداریم .
نکتهٔ دوم درین رابطه استفاده از وقت وزمان است زمانیکهاگر گذشت ، چنانچه میگذرد وگذشته است ، برنمیگردد ولحظه اینکه اگر فوت شد دیگر آمدنی نیست . متأسفانه به این موضوع مهم وحیاتی بخصوص درجوامع اسلامی توجهجدی نگردیده وحتی دراکثر موارد به این مهم اصلا کسی توجه نکرده است واین به دودلیل :

اول اینکهزمامداران جوامع اسلامی از آن جائیکه خود از اسلام دوروتا حدی درگرواستعمارواستبداد بوده اند که جز درراه براوردن خواسته های اربابان شان درگذر دیگری گام نه نهاده اند ، بناءً همواره سعی بدان داشته اند سکوت وسکون ورکود را بر جوامع خویش تحمیل نمایند واز جو فلاکتبار غیر متحرک وناسازگار وویران گر به نفع قائم نمودن ستونهای سلطه وسلطهگریهای خویش وبراوردن امیال باداران خود استفاده نمایند وصد حیف که جوامع اسلامی درزیرفشار ضد انسانی فوق چه فرصت هایی وچه نیرو های گرانبهایی را ازدست دادند درحالیکه میتوانستند این فرصتها ونیرو ها را درراه سازندگی خود وکشور خود وسایر مسلمانان بکارگیرند.

مسلمانان که روزی قافله سالاران تمدن انسانی بودند امروز نه تنها دنباله روان کاروان نیستند که به چشم انسان نیز نگریسته نمیشوند واین گناه بزرگ وعظیمونابخشودنی برگردن زمامداران گردنکشوخودکامهٔ جوامع اسلامیست.

اینان حتی فرصت اندیشیدن را از ملتهای خویش سلب نموده اند وهرگونه حرکتی را در جهت درمان دردهای فردی واجتماعی با نهایت بی رحمی وقصاوت درهم کوبیده وهر فریادی را درگلو خفه نموده اند . ازهمین جاست کهامروز جهان شاهد محرومیتها ، دردها ، آلام ومصیبتها ورنجهای دردناک جوامع اسلامیست . آنهم درحالیکه اکثریتی از کشورهای اسلامی از جملهٔ غنی ترین کشورهای جهان حتی تعین کنندهٔ سرنوشت ارزشهای اقتصادی در جهان اند ولی باآنهم همهٔ آلام شامل حال آنهاست.
چرا ؟ ؟

به خاطریکه دنیای استکبارچنین خواسته است ومزدوران شان همیدون درنگ بدانعمل نموده ومینمایند .

دشمنان اسلام به این هم اکتفا نکرده وگاه وبیگاهها لشکرکشی های ضد انسانی خود برحریم کشورهای اسلامی تجاوزنموده ومیلیونها انسان بی دفاع وبی گناه رابه خاک وخون کشیده اند وبا ویرانگریها وغارتگریهای وحشیانه خویش آنچه هم درین ویرانه هاآباد بوده به باد فنا داده اند .

توجه کنید درین زمینه به کشورهای افریقایی ، آسیایی و امریکای لاتین بخصوص افغانستان ولبنان را مورد ارزیابی قراردهید . درتحقیق حتی سطحی درین مورد به بزرگترین جنایات جلادان شرق وغرب برخواهی خورد .

واما موضوع دوم درین مورد کهاشاره بدان نیز ضروریست این است که ملتهای مسلمان نیز درین جریان بارهای سنگین ملامت را بدوش دارند ونباید فراموش کرد کهدر قانونمندی اسلام تن دادن به ظلم ظالم ، سازش با اوضاع وشرایط ناگوار ودردانگیز غیر اسلامی وهم چنان ترس وجبن وگوشه گزینی وبیطرفی درامور جامعهومردم وکشور وحکومت وترس ازرویارویی ونبرد با ستمکاران وجباران ، خود محکوم است وبه همان اندازه ایکهدراسلام ظلم واستبداد نکوهش گردیده است به همان اندازه به خواسته ها وامیال جباران تن دادن ویا ازان به بی تفاوتی گذشتن ، نیز نکوهش گردیده است.

بقیه درصفحه ۸

« هرکه زمینی دارد باید آنرا کشت کند یا به برادر خود ببخشد وگرنه باید زمینش را بازگرفت.
پیامبراسلام ص »

استعمارگران برای تداوم سلطه استعماری واقتصادی خود ، دست به استعمار فرهنگی زده ، فکر وفرهنگ ملت هـای تحت سلطه را تغییر می دهند

بقیه از صفحه چارم

اهمیت اقتصاد...

مردم نبود مونه هم دراسلام طبقه ای معین گردیده تا فقط آنها اسلام را بر دیگران بشناسانند وبقیه ازین حق محروم باشند ونتوانند ازاسلام کسب اگاهی نموده وآنرا مورد مطالعه قرار دهند .

درست است که علمای دین وظیفه تبلیغ وآگاهی دادن به مردم را بر عهده دارند ولی این بدان معنی نیستکه سایر مردم ویا آنهایی که بنام عالم دین یاد نمیشوند ویادرین زمینه تخصصی ندارند ، نمیتوانند ویا حق ندارند که اسلام را مطالعه کنند بلکه قرآنکریم وتفاسیرآن واحادیثنبوی وسایر کتب فقهی‌مال همه بوده وهر کس حق دارد ازآن بهره مند گردد . بناءً اگر شخصی درلباس عالمی‌اسلام را غیر قابل تطبیق‌معرفی مینماید ویا اینکه احکام آنرا سخت وتکلیفآ ور قلمداد میکند ویا قرآنکریم را مخالف ساینس میداند ،این‌تقصیر اسلام یا قرآن نبود مبلکه گناهاز مدعی همچو مسایلست .

همچنان آنهایی کبه همچو ادعاها گوش داده وآنرامی پذیرند بازهم تقصیر متوجه اسلام نیست زیرا اسلام به همه حق تحقیق داده وحتی همه را مکلف به کسب دانش‌وآگاهی میداند وابدآ عنوان نه نموده که بدون غور و تعمق‌هر حرفی را از هر کسی که لباس عالم دین را دربر داشته باشد بپذیرند ،بلکه فرد فرد رابه اندیشیدن مکلف میداند .

ضمناً یاد آوریاید شد که خداوند توانا ازتوانایی بندگانش‌آگاهی کامل دارند ،پس چسان امکان‌دارد قانونی را بر آنها فرو فرستد که از قدرت وتوان شان بیرون بوده وغیر قابل تحمل باشد ویا چطور ممکن است قانونی را فرو فرستد که مانع از کار وتلاش ،آموزش وپیشرفت آدمی گردد .!؟

نه،درشأن خداوند متعال نمی گنجد که به مسلمانان فقرونادار ی و — احتیاج آنها را به کفار روا داشته وتوصیه نمایند ،بلکه این اعمال مسلمان هاوخیانت حکومتهاست که امروز مسلما — نان فقیر وناتوان ومحتاج به کفار اند .

کوتاه سخن اینکه اسلام دین متر — قی وکامل ومخالف نظام طبقاتیست واینکه در کشورهای اسلامی طبقات وجود دارند این خود نمایانگر ظلم وخیانت حکومتهای بر سر اقتدا ربوده ویا روح اسلام ابدآ ارتباطی ندارد و کمونستها اگر خیانت حکومتها را دلیل نقص‌اسلام میدانند جهالت وعدم آگاهی آنها ازاسلام است.

ادامه دارد

آمده‌ناجوانمردانه حتی مصالح اسلام وانقلاب را فدای آن نموده اندوبه — زشت ترین اعمال وحرکات توسل جسته اند .

به عقیده من به گلوله بستن مجاهد مسلمانیکه شب وروزبا عالمی از محرومیت هادر راه تحقق حاکمیت اسلام وآزادی وطن‌مبارزه وپیکار می نماید ،بدست مجاهد دیگری که او هم به همین منظور سلاح بر دوش‌گذاشته ، از زشت ترین اعمالیست که بر سینه سرخ وخونین تاریخ کشور مانقش‌سیاه می بندد .

شاید کوته اندیشان را نظر براین باشد کهمسوولیت همچو حوادث غم انگیز وویرانگرید وش همان کسیست که مستقیما بدان مبادرت میورزد ولی مسأ — له به این سادگی نیست بلکه ریشه یابی همچو اعمال ناشایست وتباه کنند رادر جاهای دیگر باید جستجو کرد درست است که آن دستهایی که هر لحظه بدون شناخت ودرک وتشخیص آماده آتش‌اند وآن انگشتانیکه برای کشیدن ماشه بروی هر کس‌در انتظار وحاضر اند نیز از مسوولیت نه تنها مبرا نبوده که داغ جنایت را با خود حمل مینمایندولی قاتل اصلی کسیست که باعث بوجود آوردن همچو انگیزه ها گردیده ویا هزاران حیله ونیرنگ زمینه را برای بروز همچو حوادث وحرکات مساعد میگردانند ومجاهدان را که باید در سنگر واحدی‌علیه دشمن مشترک بجنگند با هم انداخته وحادثه می آفرینند وفاجعه خلق میکنند .

همچنان بیائید تا برای یکبار هم‌اگر شده باشد وضع مهاجرین وآوارگان دردمند جامعه خویش‌راوحالت غم انگیز بازماندگان شهدای انقلاب اسلا — می وخونبار وطن مانرابا وضع آنهایی که در ظاهر داد ازعدل عمر(رض) میزنند وسنگ تحقق بخشیدن به عدالت الهی را بر سینه میکوبند ،در صحنه مقایسه نمائیم تا دریابیم‌که تفاوت را ماز کجا تا به کجاست واین به اصطلاح داعیه خواهان دروغگو تا چه حدی درقعر زندگی طاغوتی فرو رفته اند .

به مجرد قدم گذاشتن به صحنه درخو

بقیه ازصفحه‌اول

سفیدپوشان ...

— اهی یافت که در اردوگاههای مهاجر در زیرگرمای سوزان وطاقت فرسا درد وبیماری فقر وفاقه ،برهنگی وبی درمانی ،بی پناهی وعدم امنیت ومصئونیت بیداد میکند ولی در گوشه دیگری از همین دیار آوارگان آنجائیکه به اصطلاح داعیان حق وعدالت آرگاه وبارگاه براه انداخته اند (امید است درین رابطه سوء تفاهمصورت نگیرد زیرا مخاطب آنهایی اند که متصف به همین صفات اند .)درمستی ناشی ازبدست آوردن وبه جیب زدن پول درمان وخیمه ونان‌مهاجرین وسفر خرج ولباس‌وتجهیزات مجاهدین می لولند ومی بالند وتازه دم ازاسلام و عدالت وآزادی وآزادگی ،برادری و برابری‌زدن نیز برای شان تاحدی مشق وتمرین شده که هر ناآگاه وبی اطلاعی رادر چشم برهم زدن جذب واسیر میسازند .

من با اطمنان کامل میتوانم ادعا نمایم که همهٔ آن نیرو ها وقوتها،همه آن امکانات ولوازم‌وهمهٔ آن ثروت وپول که طی این چند سال‌بدست مشتی فریبگر ودروغگود رراه امیال وآرزوهای نادرست شان به هدر رفت و ضایع شد اگر درراه پیشبرد امور جهاد آزادی وطن واز بین بردن نابسامانیهای موجود بکار گرفته میشد وبه مصرف میرسید انقلاب ما حرکت ما و — پیروزیهای ما امروز شکل دیگری میداشت ومجاهد ماهم مطمئن تر ومتشکل‌تر از حالت کنونی عمل میکرد . درحالیکه امروز مجاهد ما خواهی نخواهی در محدوده تعین شده سازمان خویش ودرجهت خواسته های آن درتپ و تلاش‌است وحتی خیلی واقع شده که به خواست سازمان مربوطه خویش بیشتر از خواست وتقاضای اسلام ارج گذاشته واهمیت داده است وا ین ناشی‌ازعدم درک کافی از اسلام وسا — زمان دهی غلطیست که هدف ازآن زیرپا گذاشتن آرمانها ،ارزشها وهم چنان اصالتهاست . گذشته ازآن‌گروه گرایی ها وگروه سازی ها نیزدر گسترش این بیماری رول بارزی بازی کرده است

مطلب درخور اهمیت اینست که از همهٔ این بدبختیهاتا کنون دوجناح استفاده برده اند که حداعظم استفاده نصیب جنایتکاران روس گردید، ولی‌سفید پوشان سیه کارهم ازآن بی نصیب نبوده اند . واما جناحی که بار عملی انقلاب را بدوش‌میکشند وقربانی داده وفداکاری نموده اند نه تنها بیرون از صحنه تصمیم گیری مانده اند که پامال شده وبیچاره‌گشته اند واین خود بزرگترین عامل ایجاد کننده موانع ومشکلات درراه پیشرفت امورمبارزه وجهاد وآزادی وطن است وبر عمر دشمن وحرکات ویران گرانه وجنایتکارانه اش می افزاید .

بهر حال لازم نیست ومنافع انقلاب واسلام وافغانستان هم ایجاب نمیکند در شرایط حساس امروزی به مطالب دیگری درین زمینه اشاره کنیم وبه امید اینکه با همین اندک بتوانیم آنهایی که راه را به انحراف میروند متوجه ساخته تا اگر ایمانی وهمتی برای بازگشت به راه راست داشته باشندتا دیر نشده بازگردند درغیر آن‌راه افشاگری چهره های رسوا بروی ما باز است وگذشته ازآن‌مطمئنیم که تاریخ شاهد براعمال‌همه بوده وهیچ چیز را به فراموشی نخواهد سپرد ودر فردای روز داد خواهی وداد ستانی همهٔ کرده ها را درمعرض‌قضاوت وهم چنان داد رسی قرار خواهد داد که آنگاه نی راه گریزی برای ایشان ونی هم بخشش‌وعفوی برای آنان متصور خواهد بود . وچه دشوار است چون خسی‌در برابر طوفان خشم مردم قرار گرفتن وجواب کرده ها وبرده ها وخورده ها را پس‌دادن .

بقیه از صفحه هفتم

مبارزه‌کنونی مردم‌ما درچه ...

ملتهای مسلمان مسوولیت های خطیر خویش‌را درقبال مبارزه‌با وضع نابسامان‌وجو غیر اسلامی‌حاکم ،یا فراموش‌کرده اندویا به وجایب خویش‌عمل نه نموده اند وفرصت های عزیزی را درین مورد ازدست داده اند .

تازه اگر هنوز هم‌به خواب خرگوشی خویش‌ادامه دهند دیری نخواهد پائید که دیگر تاب دست وپازدن به‌هنگام مرگ‌را نیز نخواهند داشت.

برگردیم به اصل مطلب وآن شیوه های مبارزه فرهنگی در شرایط کنونی بود که تا کنون‌به چند مطلب درین مورد اشاراتی داشتیم واینک بازهم‌درهمان مورد به مسأله‌ٔ مهم تری‌اشاره مینمائیم که عبارت ازعدم عملکرد به دستورات‌اسلامی توسط عده ایست که هم شعار مبارزه سر میدهند وحتی علماء بعضی ازایشان‌در جریان مبارزه دخیل اند ،وهم‌ادعای مکتبی بودن ،متعهد بودن‌ومسوول بودن را دارند .

درست است که بصورت کل نمیتوان روی اعمال شان‌خط بطلان کشید ولی میشود دربرابر بعضی از اعمال شان‌آنهم درخور توجه علامت سوال گذاشت. ومتأسفانه همین علامت کافیست که همچو اشخاص درپیشبرد مسوولیتهای خطیر وبزرگ مبارزه فرهنگی به ناکامی وموانع مواجه گردند وحرفها ،گفته ها و نوشته هاوهمه حرکات شان درین زمینه جای پذیرش نیابند .

نه تنها این که تردید در رابطه با شناخت شان نیز به افکار راه یافته ویا خواهد یافت ،واین بزرگترین مانعی است که تا امروزبر سر راه بوده است.

هدف از نوشتار فوق‌اینست که اگر عمل وکردار وحرکت مامطابق به عقیده وایمان وایدیولوژی ما نباشدودرجهت برنامه تعیین شده از جانب پروردگار توانا گام برنداریم نه تنها به حرف ونوشته ماتوجه نخواهد شد کهبا استهزا هم همراهی خواهد گردید . ومتأسفانه که درین صورت سه خیانت بزرگ‌را مرتکب شده ایم ،آول خیانت به مکتب و دومخیانت به پیروان مکتب وسوم خیانت به خود که هر سه — آن جبران ناپذیراند و درهمین جاست که میتوان به سوالی کهقبلا طرح گردیده بود مبنی براینکه کیها میتوانند باراین مسوولیت سنگین (مبارزه فرهنگی) را بدوش‌بکشند جواب ارایه کرد .

نخستین موضوعی که درین جا از همه ارزشمند تراست همانا رابطه انسان‌باخدا (ج) است واینکه انسان‌مؤمن ومسلمان باید تمام نیرو وقوایش‌رادرهمین نکته متمرکزساخته ودرهمهٔ حال‌خداوند (ج) راشاهد وناظر براعمال خویش‌بداند .

علاوتاً هر گام وهر قدم همچو یک فرد باید درجهت کسب رضای خدا (ج) باشد نه‌کسب شهرت کاذب، نه بدست آوردن‌مال ومقامی‌ونه دست یافتن‌به‌هدف ومرامی،جز خدمت به اسلام ومسلمانان .

صداقت وامانت داری ،جرئت وشجاعت ابراز واظهار حق وحقیقت ،رویارویی‌ونبرد با نادرست وباطل‌وکذب‌وهم‌چنان — جرئت افشاء‌ریاونفاق‌وتزویرو . . . خواصیست کهاگر مسلمان واقعاً وحقیقتاً تسلیم به اوامر پروردگار باشد ،خداوند توانا به وی ارزانی میداردواین خود تعیین کنندهٔ خط ومشی استکه آن فرد باید تعقیب نماید .

ولی در عکس‌صورت‌اگر هدف ما شهرت طلبی ومقام‌طلبی باشد ،اگر آرزوی مارا فقط کسب مال وثروت واعتبارات مادی تشکیل دهد ودرجریان مبارزه جزیه همین ها و امثال اینها نبیند یشیم ،واضح است که نه تنها نباید ادعای مبارزه مکتبی،آنهم مکتب انسانسازاسلام را داشتهباشیم بلکه بهتر است با اعمال سیاه وننگین خویش نباید چهره های مبارزان پاک وهدفمند را لکه دار سازیم‌وتاریخ پر افتخار اسلام رابا سیه کاریهای‌خود داغدار نمائیم.

درنتیجه گیری از مطالب تذکار یافتهباید به عرض‌برسد کهما امروز درگیر مشکلات ونابسامانیهای بزرگی هستیم‌ودر شرایط کنونی فقط با اذن پروردگارمتعال‌وقرارگرفتن درمسیر فرمان اوتعالی (ج) وبکار گرفتن‌ارشادات بزرگترین رسالتدار تاریخ حضرت محمد مصطفی (ص) میتوان به‌هدف دست یافت ودرهمین طریق است کههم رضای‌خدا (ج) حاصل ،هم وجیبه ایفاوهم‌ازآزمون بزرگ الهی با موفقیت بیرون خواهیم امد .

ومن الله التوفیق

آدرس‌بانکی
A.SAMMAD
KONTO. NR. 1122431
DEUTSCHE BANK
BLZ. 259 700 74
32 HILDESHEIM
WEST GERMANY

آدرس‌پستی
P. BOX 4425
62 WIESBADEN
WEST GERMANY

همانا من مرگ وشهادت در راه خدا راجز سعادت ، وزندگی با ظالمان وستمکاران راجزدلتنگی وشکنجه‌ای دردناک نمی‌بینم . امام‌حسین (رض)

کتابخانه شخصی سرور دانش

رول یک خانواده سالم در سلامت یک جامعه

از اینکه نتوانستیم این مطلب را مسلسل خدمت شما خوانندگان محترم تقدیم نمائیم امید معذرت ما را بپذیرید.

اداره الصبح

در همچو موارد باز هم بنابر رسالت انسانی هیچگاه باید به وظیفهٔ ارشاد بی توجه نبود، بلکه برعکس لازم است بیشتر از پیش در بازگشت آن عضو تلاش کرد زیرا اول اینکه خیلی احتمال دارد مساعی وجد و جهد مثمر ثمر واقع گردیده و شیرازه فامیلی از خطر ازهم پاشیدگی نجات یابد.

ودوم اینکه در صورت نتیجه گیری مثبت از تلاشهای پیگیر ودامنه دار اجتماع اطراف خود را نیز از شر گرفتاری با منحرف تازه ای نجات داده ایم که این خود در خور تقدیر و خدمت سودمندی برای جامعه است.

درین رابطه لازم میدانم به یک مثالی اشاره نمایم که خود شاهد آن بوده ام و آن اینکه، خانوادهٔ متشکل از پدر و مادر و دو پسر تا حدی مرفه ایرا میشناسم که پدر و مادر در اول متوجه اطفالشان بودند و گامهایی هم در جهت راهنمایی اولادهای شان برداشتند ولی آنگاهیکه این دو پسر دوران طفولیت را پشت سر گذاشتند و به مرحلهٔ نوجوانی گام گذاردند پدر و مادر به فکر اینکه دیگر وظیفه شان پایان پذیرفته همهٔ آن مسوولیتهای را که میبائیست در رابطه با تربیهٔ نوجوانان شان به انجام برسانند به فراموشی سپردند و آن دو نوجوان را بدون کنترول پدری و مادری بحال خود رها نمودند، آنهم در سن و سالی که خطر لغزش در هر لحظهٔ آن مطرح بوده و از هر وقت دیگر بیشتر نیاز مند راهنمایی و هدایت است. ولی والدین به فکر اینکه آنها دیگر راه را از چاه باز شناخته اند روشنی را از تاریکی میتوانند تشخیص دهند، بناءً ضرورتی بیش از این برای راهنمایی شان احساس نمیکردند. غافل از اینکه آنها تنها راهها و چاههای عادی را شناخته اند و از چاههائیکه در جاده زندگی در هر قدم وجود دارند و کوردلان را جز سقوط در آن چاره ای نیست، اصلاً هیچ نمیدانند.

همچنان آنها تنها میدانستند که بعد از غروب آفتاب تاریکی شب فرا میرسد و آنگاه باید به بستر خواب رفت. ولی نمیدانستند که ظلمتکدهٔ زندگی را تنها با نور معرفت و آنهم معرفت الهی باید روشن ساخت و روشنایی واقعی همانست که با مدد آن در قعر تاریکی ها میتوان ره سپرد و پرده های جهل و نادانی را درید و به هدفهای انسانی راه برد.

متاءسفانه والدین مذکور وقتی به اشتباه شان پی بردند که دیگر کار از کار گذشته و سهل انگاری کارش را کرده بود به طوریکه فرزند کلانتر شان کلاً در قعر انحرافات سقوط نموده و راهی برای بازگشتش وجود نداشت که باز تا امروز جز در کجراه جنایت و فساد و خیانت گام برنداشته است ولی آن دیگری که هنوز غرق نشده بود و گهگاهی هم در فکر نجاتش می افتاد در همین وقت شناگری به سراغش آمد و بنابر وابستگیهای فامیلی و بالاتر از آن رسالت مکتبی دستش را گرفت و آهسته آهسته به ساحل نجاتش رهنمون گردید تا جائیکه آن غریق دیروز شناگر ماهر روز گردید و در جهت نجات دیگران کمر همت بست و در همین طریق به حق پیوست که یادش گرامی و روحش شاد باد.

بلی خانواده های عزیز و مسلمان کوچکترین غفلت و بی خبری در به انجام رساندن مسوولیتهای اسلامی انسانی خویش در جهت تربیهٔ اولاد ضررهای جبران ناپذیری نه تنها بر پیکر یک خانواده که بر اجتماع وارد می آورد و بر همهٔ ماست تا در جهت سازندگی فرزندان خود با استفاده و استمداد از ارشادات اسلامی وظایف خویش را فراموش نکرده و حتی برای لحظه ای هم از آن غفلت نورزیم تا نونهالان امروزی مدافعان حق در فرد فرد ای جامعه ما و جهان بشریت گردند.

در مورد موضوع دیگری که در شمارهٔ گذشته آنرا زیر مادهٔ «حاکمیت روحیهٔ صمیمانه و خالی از کدورتها در بین اعضای فامیل» مطرح نمودیم، باید گفت که به نوبه خویش مساءله در خور ارزش است و تا آخرین حد امکان و توانایی باید بدان توجه داشت ببینید در فضایی که صمیمیت و محبت حاکم است، در جایی که عطوفت و مهربانی و شفقت و دلسوزی و ترحم وجود دارد آنجا حسد و کدورت و کینه را راهی نیست و خوشبختی با تمام ابعاد شر آن فضا و یا آن جا را در بر میگیرد.

در عکس صورت اگر بدبینی و کدورت و حقارت و . . . در خانهای و یا اجتماعی راه و رواج یافت، این بلای خانمانسوز با بی رحمی تمام همهٔ هستی آن گروه یا خانواده و اجتماع را بر باد میدهد تا جائیکه برادری حاضر میگردد خون برادرش را بریزد.

عامل این بیماری بعضاً آنقدر خورد و ناچیز میباشد که در خور بحث نیست ولی با آنهم بدبختی های بزرگی را سبب میگردد.

پدری را فرض کنید که دارای سه فرزند است ولی یکی از آنها بیشتر مورد مهر و عطوفت پدر است زیرا ممکن است دارای جذابیت ظاهری خاصی باشد و یا هم شاید بیشتر از دیگران مطیع باشد و یا هم خواص دیگری را صاحب باشد که پدر بوسیله آنها زیادتر از دیگران به وی توجه نماید، بناءً پدری در همچو موقفی زمانیکه قاضی بر عملکرد سه فرزندش که روی مساءله ای با هم درگیر شده اند، میگردد واضح است به آنکه او بیشتر مورد توجه اش بوده رای خواهد داد، در حالی که حق ممکن است از آن دیگری باشد و از همینجاست که عقده ها بوجود آمده و آهسته آهسته صمیمیت و محبت جایش را به کدورت و بدبینی خواهد داد و در تکرار همچو صحنه ها آن یکی که پدر به ناحق حقش را به دیگری داده و می دهد، کینه گرفته و دیری زمینه سازی برای اذیت کردن آن دیگری میگردد تا بدین وسیله آتش خشم و انتقامش را فرو نشاند. در نتیجه این امر باعث بدبختی بیشتر و خلای زیادتر میگردد تا جائیکه در دفعات بعدی با موضع گیریهای شکنجه آمیزتر و سرسختانه تر پدر باید مواجه گردد و طبعاً در این جریان آن دیگری که وی نیز از مهر پدری بهره کافی ندارد نیز بیکار نه نشسته و بنابر حکم غریزه از برادری که مورد خشم پدر است پشتیبانی خواهد کرد و اگر مادر هم درین جریان سهیم گردد که میگردد و آنهم به این مفهوم که موقف وی هم مانند شوهرش سازنده نباشد دیگر کار این خانواده ساخته است و جز درگیری و دشنام و کینه و بغض در آن مطرح نخواهد بود و اینکه بعد از وفات والدین این سه برادر چه روشی را در پیش خواهند گرفت، خواننده خود می تواند حدس بزند.

بلی خانواده های عزیز این عامل کوچکی است که باعث بدبختی های کلان گردیده و عوامل متعدد دیگری هم وجود دارند که اگر زمینه را برای رشد و نمو مساعد بیابند نه تنها محیط با صفا و صمیمی خانواده را در هم میریزند که به اجتماع نیز سرایت کرده و دامنگیر دیگران نیز میگردند.

صمیمیت و صفا و مهر و محبت حقیقی در محیط یک فامیل هم زمینه ساز خوشبختی و سلامت آن است و هم سرمشقی است برای آنانیکه از این نعمت محروم اند و حتی میتوان گفت که تاءثیر آن در حل منازعات ذات البینی سطحی خانواده ایکه در حالت نزاع و جدال های لفظی و نا آرامیهای بی مورد و خورد و ریزه بسر میبرد، کم نبوده و اکثراً باعث اصلاح گردیده است.

این نکته هم قابل دقت است که کشمکشهای والدین بین هم تاءثیر مستقیمی بر روحیهٔ فرزند انشان دارد و محیط پر جار و جنجال های پدر و مادر نه تنها فضای صمیمیت را در چاردیواری خانه مبدل به غبار کدورت خواهد کرد که حیات را به مفهوم واقعی کلمه در آن خانه خواهد کشت و اطفالی که درین چاردیواری بیمار رشد و نمو مینمایند خواهی نخواهی این بیماری به آنها نیز سرایت خواهد کرد که تا آخر عمر از آن رنج برده و با آن درگیر خواهند بود.

محبت و صمیمیت متاعیست گرانبها و ارزشمند ولی به همان اندازه ایکه ارزش دارد بهایی گرانی را از ما طلبگار نیست بلکه بدون پرداخت بدست خود ما میسر میگردد.

اگر از خود خواهی های بیجا و ناروا بپرهیزیم، اگر خود بینی ها و خود محوریها را بدور اندازیم، اگر حق و حدود خود و دیگران، شخصیت خویش و حیثیت و شخصیت دیگران و همچنان ارزشمندی خویش و از دیگران و بالاخره اگر احتیاج خود و دیگران و مسوولیت خویش را با رسالت و مکلفیت خویش و دیگران چه در محیط خانه و یا اجتماع بشناسیم و از حدود خویش فراتر نرویم، قاطعانه باید گفت که همهٔ کارها و امور بر وفق مراد بوده و کدورت و حسد و حق تلفی و تجاوز را راهی در همچو محیطی چه خانه و چه اجتماع بزرگتر از آن، نخواهد بود و سلامت هر دو از گزند بیماری های خانمان برانداز در امان خواهد ماند.

در مورد همگامی اعضای یک خانواده در جهت پیشبرد امور مربوط به آن کافیست بگوئیم که چون سرنوشت همهٔ اعضای آن مانند سرنوشت سرنشینان کشتی ایست که آهنگ سفر سالها بر روی بحر کرده باشد و هر خطری که کشتی مذکور را مورد تهدید قرار دهد و آنرا به غرق شدن بکشاند بر همهٔ سرنشینان آن اثر یکسان خواهد داشت همچنان است جریان زندگی یک خانواده که نیازمند همگامی و همیاری تک تک اعضای آنست و در صورت انحراف یکی از مسیر، دیگران نیز از گزند و آسیب آن آسوده و در امان نخواهند ماند.

موضوع دیگری که اشاره به آن ضروری به نظر میرسد، مساءله در نظر داشتن حقوق همه با حفظ حالت و موقعیت همهٔ اعضای یک فامیل است و این موضوع بیشتر متوجه والدین بوده به این مفهوم که والدین باید بدون گذاشتن فرق بین فرزندان خویش به همه حقوق یکسان قایل گردند.

البته موضوع حالت و موقعیت فرزندان را نیز نباید از یاد برد. به عبارهٔ دیگر والدین نباید در زمان رفع ضروریات فرزندان شان موقعیت و حالت شانرا فراموش نمایند که به این ترتیب از یکطرف برابری در بین اعضا بوجود آمده و از جانب دیگر ضرورت هر یک مناسب به حالش برآورده خواهد شد.

در پایان لازم است اشاره ای هم به این مطلب داشته باشیم که والدین بخصوص رئیس یک خانواده نباید به تقاضاهای افراطی وابستگانش صحه گذارد و یا به آنها جواب مثبت گوید بلکه با هوشیاری کامل و از راه پند و اندرز باثبت اضرار و عواقب زیاده رویها را تفهیم نموده و جلو آنرا بگیرد و با ارشاد و مفاهمه باید فضایی را به وجود آورد که همه در جاده اعتدال گام گذاشته و از حدود معین و تعیین شده که طبعاً بستگی مستقیم به حالت آنخانواده از هر لحاظ دارد، نباید عدول ورزند که در غیر آن کار به افراط کشیده و زمینه ساز از هم گسیختن شیرازه حیات آن خانواده خواهد گردید.

پایان

در انتظار ظهور حضرت مهدی .ع.

شبهای جهل و ظلمانی
با امید بامداد یست
بامدادیکه با سپیده ماش
قلب تاریکیها را میشگافد
زمین و آسمان که روزگاران شوم
شکوه ها دارند
در انتظار است
قلب سیاره های آسمان
در انتظار رویدادی
اضطرابی دارد
آهنگ دلنواز
حمد و ثنای فرشتگان
ز شوق رستاخیزی
به کهکشان میرسد
ساقیان بادهٔ توحید
در میکدهٔ عشق
مست و بیخود
با جامهای لبریز آرزو
به گردش می آیند
و مطربان خوش آهنگ
در دم سرود رهایی
ساز میکنند
خروسان سحر خیز
مست و سرشار زنسیم معطر
بهار رحمت
طلوع نوری......

طلوع نوری را نوید میدهند
بیچاره مظلومیکه
در شبهای ظلمت و خواری
چون شمع در پای
اشک میریزد
چون پروانه تا صبح میسوزد
اما، اما امید زندگی
در کالبدش شراره میکند
کاروان عمر من
زین ظلمتکده
میگذرد با هزاران آرزو
دیده ها به هر سود و ختام
در انتظارت
ای زندگی ساز انسانها

م – ی حبیب

این اصل «اصل توحید» نیرومندترین سنگریست که از آن میتوان علیه هرگونه چپاولگری وطغیان ظلم و استبداد استثمار واستعمار اوهام و خرافات و بالاخره علیه تمام نیروهای که مانع آزادی انسان در زمین و رسیدن و تقرب انسان بخدا میشوند جنگید

شهید همیشه زنده انجنیر حبیب الرحمن

سخته نده

د ه آسانه سخته نده ، خوچه نیک اوبد جـدا شی ★ کامیابی به حاصلیږی چه د زړه شیشه صفا شی
بو غمو لیونی کړی بل بی‌خولی پوری خنداکړ ی ★ چه همدرد نه معلومیږی خواشینی کی شبه صگا
بو مو' من د بل لپاره لګه خبنته د تهداب د ه ★ به وحدت سره تینګیږی زیات قوت پکی پیدا شی
نفاقی مفکوری ساتو چپه تاوګړی نیشـی د ی ★ زړونه ورځ په ورځ سختیږی ملایم زړه به د چاشی
ترحم په چا کی نشته د لسوزی له منځه لا ره ★ به‌خپل منځ کی تباه کیږ ی ، کله د اقتل رواشی
هیڅ ګناه‌د بل چا نده موږ په خپله‌ګنهګاریـو ★ بو په سره اور کی‌سوزیږ ی‌د بل جوړه پری‌خند شی
کد ورت اوسیاهی د ه‌زړونه تول‌حسد تورکړ ی ★ وروورله وروروځینی بیلیږی ، په غمونومبتـلا شـی
څوک چه ځان مسلمان بولی‌د اسلام د رد ورسره وی ★ تل په د ی‌پسی ګرزیږی چه‌کفری قوم‌تباه شـی
که چاخپله وی لید لی‌د ابـد حال‌د مهاجـرو ★ هغه زړه چه سختښکاریږی خورم‌قسم‌چه‌پهژرا شی
کونډ ی‌رند ی یتیمان‌تول‌د ریهد رهره‌خواګرز ی ★ له خپل ژوند ه بیزاریږی کورکوډ ی ورته بـلا شی
پربی وزلو عاجزانو ترحم‌زړه سوی پکار د ی ★ خد ای‌به‌د ی کار رضاکیږی‌خوارعاجزلا سرپه‌د عاشی
چه‌د خدای رضاحاصل‌شوه‌هیڅ مشکل به‌مخ‌کـی نشته ★ پروس‌کافربه روانیږی تری به پاکه مسلـم خواشـی
د وحدت لا سونه ورکړی شی‌بو موټی میرځمن‌ته ★ د رنګ به نګړی روانیږی‌چه بوزړه‌زما اوستـاشی
قلم ونیسه میاخپله د پاک رب نه بری‌غوار ه ★ مشکلات واړه حلیږی توکل چه به اللـه شی

الهی! دلی ده که درکار تو جان بازیم

الهی! از نزد یک نشانت مید هنـد وبر تر از آنی ، وزدورت می پندارنـد ونزدیک تر از جـانـی.
ملـکا! تو آنی که خود گفتـی و چنانکـه گفتی آنـی.
الهـی! نه جز از یاد تو دل است نه جز از یافت تـو جان ، پس بـی دل وبی جان‌زند گی چون توان؟
خداوندا! به شناخت توزند گـانیم به نصرت تو شاد انیم ، به کرامت تـو نازانیم ، به عزتـو عـزیزانیـم
الـهی! گهی به خود نگرم گو یـم از من زار تر کیست؟
گهی به تو نگرم گـویم از من بزرگوار تـر کیست؟
الـهـی! نام تو مارا جواز ، ومهـر تـو ما را جهاز.
الـهـی! شناخت تو مارا امـان ولطف تـو ما را عیان.
الـهـی! فضل تو مارا لوا ، وکنف تو مارا ما'وی.
الـهـی! ضعیفان را پنـاهـی قاصدان را بر سر راهی (و) مو' منان را گواهی.

الـهـی! دلی ده که درکار تـو جان بازیم ، جانی ده که کار آن جهان سازیـم ، تقوایی ده که دنیا را بسپریم یقینی ده که در از بر ما باز نشـود قناعتـی ده تا صعوه' حرص ما بـاز شـود ، دانایی ده که از راه نیفتیـم بینایی ده که در چاه نیفتیـم ، دست گیـر که دست آویز نداریـم ، بپذیـر که پای گریز نـداریـم.
توفیقی ده تا در دین استـوار شـویم ، عقبی ده تا از دنیا بیـزار شـویم ، نگاه دار تا پریشان نشـویـم براه دار تا پشیمان نه شـویم ، بیامو ز تا شریعت بدانیم ، برافـروز تا در تاریکی نـمانیـم ، بنمای تا درروی کس ننگریم بگشای دری که درگذ ریـم ، تـو بسـاز که دیگران نـدانـند ، تـو بنـواز که دیگران نتـوانـند.
همه را از خـود رهایی ده ، همه را به خـود آشنایی ده ، همه را از مـکـر شیطان نگاه دار ، همـه را از فتنه نفس آگاه دار.
الـهـی! امیـدانـی کـه ناتوانـم ، پس از بلا هـا برهانـم.
(خواجه عبد الله انصار)

بقیه از صفحه یازدهم
آخرین گزارشات رسیده

اند. همچنان گفته میشود که دستگاههای الکتریکی میدان مذکور نیز خساره‌منـد گردیده وبه همین علت در حال حاضـر روسها از طرف شب میدان را تخلیـه مینمایند.
از مرکز ولایت پروان در راپورجد اگانـه' دیگری آمده است که مجاهدین جوش' ... ن پوسته های امنیتی دولـت مزدور را در محاصره خویش در آورده و روزانه عملیات متهورانه ایرا بالای آنها بعمل می آورنـد. این گزارش حاکی است که مجاهدین این حوضه در جریان ماه گذشته سه پوسته گروه مقاومت را از بین برده و ۴۵ میل از سلاحهای مختلف را باهزاران فیر مرمی به غنیمت گرفتـه اند.
★ کابل – گزارشگر ما اطلاع میدهد که جان برکفان اسلام بتاریخ ۱۸ جـو لای یکفروند هلیکوپتر نظامی وغولپیکرد شمن را از ۲۵۰ متری میدان هوایی بگرام هدف قرارداد هوآنرا باتمام سرنشینان آن که ۱۴۰ نفر گزارش شده است از بیـن برده انـد

برگی از فرهنگ مجاهد پرورما

حرکت بدون هدف و غایت معلوم کاری ابلهانه و سفیهانه است

از سخنان مولای متقیـان حضرت علی کرّم الله وجهه

الهی! آنهاکه برتو توکل دارند ، بـنـا ی امید شان بر پایه ای متین و محکـم استوار است.
توئی که ازبید او پنهان‌شان خبرداری ، و آشوب ضمیر آشفتگان راهم از آنهـا آشکار تر می بینی.
اسرار نگفتنی را بتو میگویند ، وهرچـه میخواهند از تو می خواهند.
در جهان میگردند و فـراز وفرود زندگی رامیپیمایند ، سیرآفاق میکنند ودرفضا ی انفس پرواز می نمایند.
ازین همه گشت وگذار وازین همه سیـر و سیاحت ترا میجویند ودراعماق دریا هـا و اوج آسمانها ترا می طلبند.
خدایا! آشفتگان تو چون از حـوادث گیتی رنجور شوند ، بتو پناه میآورند و سختی بار مصائب را با نوازش عشق تـو آسان بمنزل می رسانند.
اینان مطمئن اند که زمام امور بـه دست توست و بر کاخ هستی جز اریکه' سلطنت جاودانت کرسی دیگر نیست.
پرورد گارا ، هر آندم که زبانم راز نگفتـه خموش گردد ، و گفتارم در آغاز به پایـان رسد ، تو اسرارم را ناگفته بدان وشکوایم را بینگارش بخوان. مرا بمصالح فردی و اجتماعی دلالت کن و مقدراتم را بـه بهارت محیط سـوق ده.
اگر چه آرزوهای مـن سخت دشوار ؛ مشکل است ، اما در پیشگاه عظمـت و قدرت تو ای خداوند مهربان تا چیـز و آسان انجام می شود.

سحر کن تو شام سیاه وطن را

خوشاد ر هوا ی وطن زند گـانـی — خوشـا از رهـایـی یکـی مژدگـانی
خوشا جان سپـردن برای نجـاتـش — خوشـا از بروبو م آن پاسـبـانـی
خـوشـا مرد میـدان وسـرباز بودن — خصـوصـاً بـه هنگام شور جـوانـی
خـوشـا با رفیقـان ویـاران سنـگر — دست زدن بـه حمله' ناگـهـانـی
خـوشـا دشمنـان را زوطن کشیدن — ازیـن نـامـور کشـور باسـتانـی
خـوشـا نـوش کردن زجـام شهـادت — خـوشـا تا ابـد زنده' جاویدانی
هـر آنکـه نجویـد شمیـم وطن را — " بدک میکشـد بیهوده نام انسانـی "

هـر آنکـه نجوید شمیـم وطـن را — ندانم چه می خواهد از زنـد گانـی
زهـی فارغ البال مرد هوس جـو — کـه دور از وطن میکنـد کامـرانـی
وطـن سـرمـه سازم زخاکت که اکنـون — ز خونـاب شـد چشـم من ارغوانـی
نگیـرد سراغ مـرا جز غـم تو — کـه نکشـود بـرمن در شاد مانـی
زیـاد تـو یک لحظـه فارغ نبا شـم — نشستـه غمت در دل مـن نهـانـی
بیغشـرد شـادی دراقصـی جـانـم — چـو گیتـی کزآسیب بـاد خـزانـی
کنـون زعفـرانی شـد از شدت غـم — همان چهـره چون عقیق یمـانـی
بشـد قیـر گون ذلـف گافـو رمـانـا — بشـد قـد شمشـاد کم کم کـمانی
اگـر مـن ترا ای وطـن با زبینـم — سـرایـم چـو مرغـان گلشـن رعانـی
سـتایـش کنـم در سحرگـاه نصرت — ترا ای ستمکاره دنـیای فـانـی
بنازم وطـن خـاک مـرد آفرینـت — کـه دارد زبس رادمـردان نشـانـی
وطـن خـواهـد امـروز مرد شمشیـر — چـه حاصل ازین گفته های زبانـی
نـداری اگـر فکر پیکار در سـر — زدون فطرتان وزدون مایـگانـی
خـدا یـاتـو مپسند مارا پریشان — بـه آوارگی وبـه بـی خانمـانـی
بحقیـی کـه کردی زبـان راتـوگـویـا — کـه ذکـر تـرا گـو یـد هـرد م بربانـی
خـدایا ازین تیره روزی رهـایـی — بـحق پـاک کلام آسـمـانـی
بحـق جمـال حبیبت محمـد (ص) — کـزو آفـریـدی جهان رایـگانـی
سـحر کن تـو شام سیاه وطـن را — خـدایا دگـرمن چه گویم‌تو دانـی
خـدایـا گنهکارم وشـرمسـار — بـزرگـی خدایا ، بـکن مهـربـانـی

دناموس سوداګران دی سرداران دزمانی نن

د ناموس سوداګران د ی سرداران د زمانی نن — د روغجن اوکاذبان د ی بنه کسان د زمانی نن
هره خوا لمنه ویره د د رد ونـو حسرتـو نـو — خوار زیلي بی وزلا ن د ی صادقان د زمانی نن
د ظلمت ولوله ګوره چه بی تول جهان نیولـی — د حق مفهوم د ظلم په زنځیرد ی تړل شـو ی
د ریا کیسه تود ه د عدالت د ی تباه شـوی — په‌کرسی د عدالت ظلم زور کینـو ل شو ی
د هـوس نه قربانیږی د محرومی پرګنی ژونـد
ستمګره جلادان د ی واکداران د زمانی نـن
د یتیم او یسیر خونه د ناکس پلاس تباه شوه — د ظالم له ظلمه جوړه په جهان کی واویلا شوه
په طوفان د نارواکی پاکی وینی د ی توئیږی — د غدار له سری لمنی دا بلا ګوو پیدا شـو ه
د اخلاق د بن په ګلو د هیرتیاغبار پریـو تـی
د عـوی د عفت کاند ی فاسدان د زمـانی نـن
په بازار د محبت کی د هوس حکومت چلیږی — پر ګلزار د انسانیت د ذلت زلـی وریـږی
په جامه د صداقت کی تور مخی مخ ته شوی — پرتیی د ځان ځانی شرافت د ی چه ورتیږ ی
ورحمیـږه لـویه خدایه لویه خدایـه (ج)
کنی سوزی به د ی اور کی بی وسان د زمانی نـن
هسی سپین ښکاری جامه کی بد عمله بدکرداری دی — په ظاهرمغم شریک خو به باطن کی لوی ښامار دی
کله ماسره ورورګړی کله تا سره یاری کـا — د اچغلی غلی کیږی د فرصت په انتظار د ی
چـه بی پری نوزی پـه دا م کـی
څو مخی د ی ای وروره صیادان د زمانی نـن
ورور ی وه ورورګلوی وه مد رسه د محبـت کـی — رسید و به بو اوبل ته هم به د رد هم به راحت کی
حوافسوس چه یاران واړه له هد فه ځنی ځار شول — زما سخته تیریږی د یارانو په فرقـت کـی
د چلیف په زړه اور بل د ی لګه شمعـی سوزی
زوروی بی‌ګړوی بی دا جریان د زمانـی نـن

تبلیغات دروغ از شگردهای مهم دشمن در تضعیف روحیه است

ن والقلم وما یسطرون
کتابخانه شخصی سرور دانش

ابداً نمیخواهند یک حکومت اصیل اسلامی یا در افغانستان ویا در نقطهٔ دیگری از جهان تحقق یابد وبا تمام قوا سعی میورزند نهضتهای اسلامی بخصوص انقلاب خونبار اسلامی افغانستان را از مسیر اصلی اش انحراف داده ودر جهت امیال وآرزوهای شیطانی خویش سوقش دهند.

دستهای پیدا وناپیدای استعمار ودشمنان شناخته شده اسلام با وضاحت کامل در حواشی انقلاب اسلامی ما کار میکنند وبا خریدن عدهٔ خود فروخته شده از آغاز انقلاب تا کنون هزاران توطئه ودسیسه را براه انداختند تا مگر بتوانند عناصر اصیل ومکتبی ما را تحت فشار قرار داده ودر راه پیاده نمودن برنامه های اصیل ورهایی بخش شان سنگ اندازی نموده وموانع ایجاد نمایند.

گاهی با چسب های ناچسب وگاهی هم باوارد نمودن اتهامات ناروا ونابجا وزمانی هم با رویاروییهای عملی میکوشند برادران مبارز ودانشمند وهمچنان متعهد ومکتبی وفداکار ما راهم تخریب وهم تهدید نمایند.

بلندگوهای استعماری جهان با لفاظیها وپروپاگندهای شیطانی خاصی، سعی بران دارند تا وابستگان خویش را کلاً همه کاره انقلاب دانسته وآنها را عناصر دلسوز به اسلام وافغانستان وامت مسلمان ما وهمچنان فداکار وایثارگر معرفی نمایند واین در حالیست که خوب میدانند، چرا مردم افغانستان این همه قربانی را متحمل شده اند ودر جهت تحقق چه نوع حکومتی دست به جهاد وپیکار زده اند. وچرا این ملت همه مصایب وآلام آوارگی ودربدری را بدوش گرفته وچرا تا پایان جان در برابر دشمن تا دندان مسلح در سنگر های خونین مبارزه مقاومت میکنند؟

اگر نتیجهٔ این همه خون دادنها وایثارها به حاکمیت حکومتی بینجامد که امریکا وانگلیس وفرانسه وروسیهٔ متجاوز خواهان آنند، پس چرا این امت بپاخاسته علیه نظامهای فرتوت شاهی وسردار ی بزمدست به قیام زدند؟

ولی اگر در جهت تحقق حاکمیت دین خدا (ج) جهاد مینمایند، دیگر واضح است که امیال شیطانی وتلاشهای مذبوحانهٔ اینان نه تنها به جایی نخواهد رسید بلکه امت مسلمان ما را در جهت شناخت بهتر وخوبتر چهره های مزدور ووابسته یاری خواهند کرد تا در تصفیهٔ آنان هر چه قاطع تر وبدون تردید عمل نمایند.

واما یک نکته را نباید درین زمینه از یاد برد که اصلاً این بحث نیز روی آن استوار است وآن سهم گیری فعالانه تر از پیش برادران مکتبی وچیز فهم ما در جهت روشنگری مردم ما وافشاء چهره هائیست که تا کنون مردم ما نتوانسته اند به ماهیت اصلی آنان پی ببرند واین ممکن نیست مگر از راه مبارزه فرهنگی قاطع وهمه جانبه در تمام زمینه ها بدون درنظرداشت اشکالات وموانع زمانی ومکانی که ممکن است بعضاً برادران را به آنها برخورد نمایند والبته این حرف بدان معنی نیست که برادران همرزم ما تمام جوانب احتیاط را مراعات نکرده میگذرند، بلکه منظور آنست که در جهت رسیدن به هدف همهٔ تلاشها، وسایل وامکانات را باید بکار بست تا دشمنان نتوانند از موقع استفاده نموده وضربت وارد نمایند.

واما مبارزه فرهنگی یعنی چه وبا چه شیوه ها میتوان این امر را جامه عمل پوشاند وکیها باید مسوولیت این بار سنگین را بدوش بکشند؟

آیا کافیست ورقی چند در بارهٔ مطلبی نوشته وبا عدهٔ در میان گذاشت وآنگاه مسوولیت خویش را انجام یافته پنداشت؟

ویا اینکه بعد های وسیع مبارزه فرهنگی در جهت پخش وتبلیغ مکتب حیات بخش اسلام دوشادوش جهاد مسلحانه خیلی وسیع بود ه وایجاب تلاش ومساعی پیگیر ودامنه دار، همه جانبه وخستگی ناپذیری را مینماید؟

پر واضح است هر مسلمانی که شرایط کنونی حاکم بر جهان را با دید عمیق وارزیابی همه جانبه مورد مطالعه قرار دهد درخواهد یافت که دشمنان اسلام چه پلانهای خطرناکی برای نابودی اسلام ومسلمانان طرح نموده اند واین توطئه ها وپلانهای استعماری خنثی نخواهد شد مگر با جهاد مداوم مسلمانان. واین جهاد ومبارزه ثمری نخواهد داد ونتیجهای نخواهد داد مگر آنکه زیربنای

بقیه از صفحه دوم

مبارزه کنونی مردم ما در...

ایدئولوژیک ومکتبی آن با مبارزات مداوم فرهنگی هرچه بیشتر متجلی گردیده واساسات اسلام بر تمام شئون زندگی فردی واجتماعی حاکم گردد.

ولی اشتباه نشود که این امر بدان معنی نیست که زیر بنای مکتب اسلام سست بوده وازراه جاددادن مسایل غیر آنرا باید مستحکم ساخت، نه به هیچصورتی همچو مسأله‌ای را میتوان عنوان نمود. بلکه هدف آنست که مردم ما را باید با این مکتب به شکل لازمی وشایسته آن آشنا ساخت تا واقعاً این برنامهٔ الهی برای بهبودی زندگی انسانها اعم از دنیوی واخروی را دریابند.

وهمچنان این مطلب بدان معنی است که برادران دانشمند ما توده های بی اطلاع ملت ما را آگاهی دهند تا در پرتو آن راه خویش را به سوی سعادت واقعی بازیافته واستوار تر دران گام زنند وموانع را با تدبیر وتأمل از سر راه خود دور نموده وبه هدف راه برند.

شرایط روز چنین ایجاب میکند که ملت ما دوست را از دشمن، صادق را از منافق وکاذب وهمچنان رهروان راستین مسیر الهی را از چهره هائیکه مزورانه از آب گل آلود ماهی میگیرند باز شناخته وراهی را برگزینند که خیر وفلاح اسلام و وطن وسایر مستضعفان ومحرومان جهان دران مضمر باشد.

آنهایی که مسوولیت سنگین پخش وگسترش فرهنگ اصیل وانقلابی اسلام را عهده دارند باید به مسوولیتهای خطیر خویش توجه جدی وعمیق مبذول داشته ومشکل توده آمی مردم را در جهت شناخت واقعی از اسلام ومسلمانان ودشمنان شان بصورت شایسته حل نموده وراهنمایی نمایند قبلاً به این سه مطلب که مبارزه فرهنگی یعنی چه، باکدام ترتیب وچه نوع شیوه ها میتوان در شرایط کنونی (جهاد مسلحانه) این بُعد جهاد اسلامی را که اساس گذار جهاد مسلحانه است، نیز گسترش داد وبالاخره کیها میتوانند این مسوولیت سنگین را تا منزل مراد بدوش داشته باشند، اشاره شد واکنون میپردازیم به شگافتن مختصر تکتک مطالب فوق:

در رابطه با موضوع اولی که به شرح مفصلی نیاز دارد و شایسته است توسط دانشمندان متعهد مورد ارزیابی همه جانبه قرارگیرد، که تا حدی قرار هم گرفته وبه تکرار وبررسی بیشتر آن نیز ضرورت شدید احساس میگردد وامید واریم در آینده شاهد همچو بررسی ای باشیم، باید گفت که در قدم اول آشنا ساختن آنانی که هنوز از اسلام شناخت کافی ندارند به فرهنگ متعالی اسلام است، بخصوص به اساساتی که همه ناگزیر باید آنها را دریابند ودر زندگی عملی خویش آنها را بکار بندند.

این نسل را که درحقیقت فرزندان انقلاب اند باید ازهم اکنون درس ایدئولوژی ومکتب داد تا فردا با آگاهی از خون شهدا پاسداری نمایند.

درست است که عدم امکانات کافی وشرایط نامطلوب زمانی ومکانی موانعی در راه رسیدن به این امر ایجاد مینماید ولی به خاطر اهمیت خاص ورول سازندگی وگذشته ازهمه اساس بودن وحساس بودن آن باید تمام توان ونیروی خویش را با استفاده از هر فرصت خورد وبزرگ وهمه امکانات ولو ناچیز در راه براوردن این هدف بکار گیریم وبه همان طوری که در سنگرهای خونین جهاد مسلحانه برادران رزمنده ما به خاطر وارد کردن ضربه بر دشمن همه خطرات را با نقد جان میخرند وبا به کار گرفتن امکانات ناچیز خویش بزرگترین

بقیه در صفحه

مناقعش میرود، از شناخت هر کدام بهره برداری واستفاده کرده بتواند.

بطور خلاصه زندگی را در راه زندگی مصرف نموده ومصرفش را در راه های دیگر هدر میداند وخود را با هیچ کس که با وی در اختلاف باشد طرف نمیسازد.

اما کسانیکه زندگی میکنند تا به هدف برسند، سعی دارند که زندگی را در راه رسیدن به هدف مصرف کنند ویا به کار گیرند ودر غیر آن زندگی برای شان بی مفهوم وعبث خواهد بود.

این اشخاص هدفمند بوده ودر فرا راه هدف با موانع به مبارزه پرداخته ودرین رویارویی با قبول زحمات وادامه راه تلاش ورزیده واگر احیاناً شدت موانع بذل جان شانرا تقاضا کند بید ریغ آنرا ایثار مینمایند، چه زندگی بدون هدف برای شان زندگی نیست.

در زمان ظاهر داود خیلی ها از مسلمانان بنام بیطرف با مارکسیستهای کافر خود را طرف قرارنمیدادند. در حالیکه طرف آنها بجز مسلمانان نبودند واین عمل هیچگونه توجیهی ندارد به جز ترس وگریز از خطروضررکه خطرآنرا به جان وضرر آنرا به مال قبول کرده نمیتوانستند.

همین اشخاص پابند نماز وروزه ودیگر مسایل عبادی هم بودند ولی از همین چوکات پا بیرون نمی نهادند ومکلفیتهای دیگر اسلامی خود را انجام شده میپنداشتند.

فکر میکنم هیچ کس مخالف این گفته نخواهد بود که پیامد شوم همان بی تفاوتیها فاجعه هفت ثور بود که کمونست های تمدن سوز را در افغانستان اسلامی بر سرنوشت مردم مسلمان ما حاکم ساخت. واگر همین روحیه (بی طرفی) حاکم نمی بود وهرکدام خود را در معرض تجاوز وخطر تسلط قرار گرفتن میدید، چطور ممکن بود که عدهٔ از کمونستهای فروخته شده در جاده های کابل به تظاهرات بپردازند وعلناً بدون ترس وواهمه از میلیونها مسلمان اعلام کفر نمایند.

اگر مردم از بیطرفی کار نمی گرفتند واین کارها را سیاست وسیاست را کار حکومت نمی دانستند وسرنوشت خویش را بدست ظاهر وامثالهم نداده بلکه بدست خویش میگرفتند، شاید کار بهاین جاها نمی کشید وکمونستها هم جرئت عربده سرایی پیدا نکرده وبه سوراخهای خود میخزیدند وبرای اربابان جنایت کار شان هم افکار سیاه وخام اشغال نظامی افغانستان پیدا نمی شد.

واضح تر گفته شود که فاجعه کنونی با همه ابعادش محصول عدم احساس مسوولیت هاییست که در آن زمان برکشور ما سایه افگنده بود.

متأسفانه دیده میشود، علاوه بر اینکه بعضیها گناه نابخشودنی بیطرفی

بقیه ازصفحه آول

بی طرفان بی هدف

راگناه نمیدانند، امروز هم که عواقب آنرا بچشم سر میبینند وبا تمام وجود لمسش میکنند، باز هم بی طرف بوده وبا آرامش خاطر روی این عمل خود صحه گذاشته وبه آن ادامه میدهند.

ما اگر امروزهم گوشه خلوت رابرگزیده ودر مسأله افغانستان خود را بی طرف قلمداد نماییم وادعای مسلمانی را هم داشته باشیم، آنهم مسلمان آگاه، از دو حال خالی نیستیم:

آول اینکه از اسلام آگاهی نداریم که در آنصورت باید راه برادران آگاه ومبارز را در پیش گرفت وهم چنان اسلام رابایست عمیقاً مورد مطالعه قرار داد تا به این نتیجه رسید که هیچ مسلمانی را بیطرفی در جهت حفظ ارزشهای اسلامی مجاز نیست.

دوم آنکه (خدای نخواسته) در مسلمانی ما شک است، در غیرآن چطور ممکن است کمونست که با اسلام ضدیت دارد وآنرا مانع توسعه طلبی خود دانسته وبا مسلمان طرف است وبا مسلمانان می جنگد تا راه را برای توسعه ایدئولوژی منحط خود صاف نماید، ولی مسلمانی که خود را بیطرف میداند از رویارویی با دشمنان اسلام ابا میورزد وراه را برای نفوذ بیگانگان باز گذاشته واز مبارزه در راه خدا خود را کنار میکشد، خود را مسلمان قلمداد کند.

در پایان در یک کلام باید گفت که اسلام مال مسلمانان است وحراست ونگهبانی آن فریضه ووظیفه هر مسلمان بود ه وبیطرفی هم سرکشی از اوامر اسلام حیات بخش وانقلابی است. بناءً از گذشته باید عبرت آموخت واین گناه بزرگ را نباید تکرار کرد.

محتوای رسالت انبیاء (ع)، عبارتست از: ۱- یامرهم بالمعروف ۲- ینهیهم عن المنکر ۳- یحل لهم الطیبات ۴- یحرم علیهم الخبائث ۵- یضع عنهم اصرهم و الاغلال التی کانت علیهم

آیه ۱۵۷ سوره اعراف است.

الذین یتبعون الرسول النبی الامی الذی یجدونه، مکتوبا عندهم فی التوریة والانجیل یامرهم بالمعروف وینهیهم عن المنکر ویحل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث ویضع عنهم اصرهم والاغلال التی کانت علیهم فالذین امنوابه و عزروه و نصر و أتبعوا النور الذی انزل معه اولئك هم المفلحون.

آنها که از فرستاده (خدا) پیامبر «امی» پیروی میکنند، کسی که صفاتش در تورات و انجیلی که نزدشان است می‌یابند و آنها را به‌معروف دستور می‌دهد و از منکر باز می‌دارد، پاکیزه‌ها را برای آنها می‌شمرد، ناپاکیها را تحریم میکند، و بارهای سنگین و زنجیرهائی را که برآنها بود (از دوش و گردنشان) برمی‌دارد آنها که به او ایمان آوردند و حمایتش کردند و یاریش نمودند واز نوری که با او نازل شده پیروی کردند آنان رستگارانند.

درصحنه نبرد و ستیز و در میدان خون و شرف، هویت هر کس روشن و برملا میشود

بقیه ازصفحه سوم

مصاحبه با قوماندان غیور..........

وبیشتر از یکصد و پنجاه خانه را درین محل زیر بمباران گرفته بودند. بمباران تا حدی شدید بود که حتی به فاصله ۵ کیلومتری آن منطقه هم از کثرت دود وغبار وگرد نمیشد چیزی را تشخیص داد.

ما که درین زمان برای نان چاشت آمادگی گرفته بودیم، نان را جابجا گذاشته وبه محل حادثه شتافتیم با رسیدن ما به محل، بمباران دشمن پایان یافته بود ولی از قریه جز ویرانه، بجا نمانده بود. بم های ناپالم وگلوله های هلیکوپتر های توپ دار دشمن وسایر بم های تخریبی و ویرانگر دشمن قریه های بزرگی را حتی به عمق ۳۰ متری درزمین فرو برده بود وجز نشانه های کوچکی از آنان بجا نمانده بود.

درد آور تر اینکه شهدای این عمل وحشیانه به توته ها وپارچه های گوشت مبدل ودر زیر خروار ها خاک مدفون گردیده بودند واگر سری ویا دستی وپایی وعضوی از بدن شهیدی اززیر آوار ها بیرون کشیده میشد در آن واحد به صدها تن به آن طرف هجوم میبردند وهر یک دعوی میکرد که آن عضوی از بدن مربوط به یکی از اعضای فامیل او میباشد.

بلی یکی آنرابه برادر ودیگری به پدر ودیگری هم آنرا به مادر ویاخواهر خود نسبت میداد. واین ازهمه دردآورتر بود که فامیلهای شهدا نمیتوانستند به اجساد شهدای خویش دست یابند.

عملیات برای بیرون کشیدن اجساد شهدای این فاجعه وحشیانه ۱۵روز به طول انجامید ولی باآنهم موفق به پیدا کردن اجساد ۱۵ تن از شهدا نگردیدیم.

چیزی که درین جا مخصوصاً قابل یادآوریست این است که مردم مسلمان این محل با وجود تحمل درد ناشی ازین واقعه المناک بازهم احساس ضعف ننموده ومی گفتند که درراه خدا (ج) باید قربانی داد، واما چیزیکه باعث رنج شان بود این بود که نمی توانستند حتی نشانه، از شهدای خویش داشته باشند تا با دفن آن بر مزارش دعا کنند.

خاطرات دردانگیزی ازین قبیل درسر زمین خونین ما به هزارهاست ومن به خاطره دیگری هم اشاره میکنم تا باشد چهره کریه وضد انسانی روسها ومزدورانشانرابهتر به مردم به خصوص به آنهائیکه با این انقلاب دلسوزی دارند معرفی نموده باشم.

روزی برادران مجاهد بریکی از پوسته های دشمن حمله نموده ویکی از وطن فروشان مزدور را که رئیس به اصطلاح جبهه ملی پدر وطن بود به هلاکت رساندند. این نکته شاید برای خوانندگان جالب باشد که در افغانستان کمونستها به دو گروه تقسیم شده اند، یکی افغان کمونست ودیگری افغان شوروی، که افغان شورویها به روسها نزد یکتر ومقدمتر اند. واین مزدوری که توسط مجاهدین ما به هلاکت رسیده بود از افغان شورویها بود ووظیفه جبهه، به اصطلاح ملی پدر وطن را عهده دار بود که توزیع سلاح ومهمات را نیز بدوش داشت.

با به هلاکت رسیدن وی که در ساعت ۹ صورت گرفت برادران مجاهد سالم از محل خود را کشیدند.

بعد از مدتی چندین طیاره ودرحدود ۱۵۰ تا نک منطقه علی خیل (منطقه ایکه همان افغان شوروی در آن به هلاکت رسیده بود) را زیر آتش گرفتند.

روسها از اوبوس وهاوان ودی ۱۳و اند اخت تانکوغیره سلاحهای سنگین استفاده میکردند ومنطقه را از هوا و زمین زیر بمباران وحشیانه قرار دادند با تاریک شدن هوا بمباران خاموش گردید ودشمن منطقه را ترک گفته وبه پایگاه خویش برگشت.

منطقه درآتش جنایاتشان میسوخته همه جا ویرانه بود وآتش ودود و خون. مجاهدینیکه ازین منطقه بودند حتی اکثریت شان همه، اعضای فامیل شانرا درین حادثه از دست داده بودند وتعداد زیادی از مردم بی دفاع منطقه اعم از طفل وزن و سالخوردگان به شهادت رسیده بودند.

روسهای جنایت کار که منطقه را ترک گفته وبه پایگاه خویش بر گشته بودند شروع کردند از همانجا به انداخت توپهای دور برد بر منطقه وآنهم در حالیکه مردم تلاش میکردند شهد ایشان را دفن نمایند. روسها قبرستان را زیر آتش شدید قرار دادند تا مردم نتوانند شهدا را بخاک بسپارند واین دون همتان زبون هنگامیکه از روباروبی با مجاهدین عاجز میگردند بر مردم بی دفاع حمله ورمیگردند.

چون دفن کردن شهدا زیر اتش دشمن ناممکن بود بنا؛ ما آنها را به یک منطقه کوهستانی حمل کردیم تا با دست یابی به فرصتی آنها را بخاک بسپاریم. روسهای وحشی تا صبح قبرستانها را گلوله باران کرُند. صبح روز بعد برادران مجاهد موفق به آماده کردن قبرها شدند وبداین ترتیب شهدا را دفن نمودیم.

این بود شمه، از جنایات روسها ومزدوران شان که من بارها شاهد آن بوده ام. ولی این نکته راباید تذکر دهم کاگر آنها هر چند فاجعه بیافرینند ودست به وحشیانه ترین جنایات بزنند دور از انتظار نبوده و نیست زیرا قرآن میفرماید که بی رحمی وشقاوت کفار در حق مسلمانها دور و خلاف انتظار نیست.

* برادر محترم اگر پیامی برای شورای عالی اتحاد داشته باشید لطف کنید؟

از آنجائیکه قرآن با خون شهدای ما درکشور زمینه تحقق مییابد وروزانه صدها تن از مجاهدین ما به شهادت میرسند ونبرد نابرابر دربرابر روسها را باعالمی از مشکلات ودشواریها از قبیل گرسنگی وتشنگی وبیماری وبی درمانی وهزاران مشکل دیگر به پیش میبرند تا جائیکه عده، زیادی ازبرادران مجاهد ما با پای برهنه درکوه ها ودشتهای کشور با روسها میجنگند وبا جان گذشتگی وگذشتن از همه چیز شان به خاطر حاکمیت اسلام وآزادی وطن با دست خالی دربرابر بزرگترین قدرت نظامی جهان مبارزه میکنند وتا حدی درین مسیر به پیش میروند که با رخنه کردن در صفوف ارتشیان مسلمان روسی به مبارزه و جهاد فرهنگی میپردازند وآنها رابه سوی خویش دعوت مینمایند وعده، زیادی هم ازهمین راه به مجاهدین مسلمان افغانستان پیوسته اند. با درنظر داشت همه، این مشکلاتی که به بعضی ازآنها اشاره گردید ما از شورای عالی اتحاد توقع داریم که باارزیابی دقیق وضع برادران مجاهد شان در سنگر های مبارزه، اتحاد موجود را هر چه بیشتر استحکام بخشیده وهمه مسلمانان را دریک صف واحد تنظیم مکتبی نموده وبا دسپلین اسلامی وبا ارج گذاری به خونهای پاک شهدای انقلاب اسلامی مادرصف واحد وتحت قوماندهء واحد، فعالیتها وحرکات خویش را، درجهت یاری ومدد به برادران مجاهد وپیشبرد امور جهاد و سایر مسایلی نمایند که بطور مستقیم با انقلاب ما دررابطه است. وباز هم باید گفت که این ممکن نیست مگر با همبستگی واتحاد کامل بین همه، مسلمانها.

آنها باید نگذارند اتحاد دردامن عناصر خود خواه خدای نخواسته سقوط کند.

باز هم التجا مینمایم که برادران ما باید تمام امور را درفضای صمیمیت وبرادری وبدون خود خواهیها درپرتو قانون قرآن ودرجهت تحقق اسلام و آزادی وطن به انجام برسانند.

* اگر پیامی برای برادران وخواهران مسلمان درخارج داشته باشید بفرمائید؟

پیام من برای برادران وخواهران خارج کشور این است که آنها باید مطمئن باشند که انشاءالله افغانستان از چنگال این اشغالگران جنایتکار ومزدورانشان رهایی یافته وآزاد خواهد شد. زیرا برادران مجاهد شان با ریختن خون خویش وگذشتن از همه چیزشان درین مسیر مبارزه می نمایند وامروزجز مناطق محدودی بقیه همه، افغانستان تحت کنترول مجاهدین قرار دارد وما انشاءالله دور نخواهد بود روزی که ازبرادران وخواهران مقیم در خارج خویش دعوت باز گشت به کشور را در فردای پیروزی به عمل آوریم.

مطلب دیگری که درین جا جای تذکر دارد این است که برادران ما درخارج باید سری به جبهات زده وبا برادران مجاهد شان از نزدیک درتماس شوند تا پیروزیهای مجاهدین را ازنزدیک ارزیابی نموده واز طرف دیگر شکست ورسوایی کمونستها رابا چشم سر مشاهده نمایند و ببینند که مجاهدین ایثارگر افغانستان چطور بافداکردن همه هستی شان افغانستان را گورستان کمونزم ساخته اند.

برادر محترم ازاینکه قبول زحمت فرموده وبا ما مصاحبه نمودید اظهار سپاس نموده وآرزومندم خداوند (ج) مسلمانان افغانستان وسایر جهان را از شر استکبار واستبداد رهایی بخشند.

آمین

د لمری مخ پاته

افغانستان د معاصر..

د دی لپاره چه اوسنی بحث مود تیرو مطالبو سره بی ارتباطه نشی ښه به داوی چه همغه سلسله په نظر کی وساتو.

په تیره گټه کی مو د واکمنانو د ناوړه چال چلند یوی کوچنی گوښی ته گوته ونیوله او همدارنگه غوښتل موچه په دولتی ادارو او موء سسو کی په ټیټه سویه د حکومتی ماشین د چلوونکو پر کړو وړو څه نا څه خبری وکړو.

لکه چه مخکی مو وویل د ظاهر داود په دور کی پر ټولنه د بی تفاوتی پرده غوړول شوی وه. څکه چه د وی خپل پاییښت د همدی پردی په بد مرغه سیوری کی لټولو او همدا وجه وه چه خپلی ټولی هلی ځلی یی د دی رنځ د خپرولو او د ودی ورکولو وساحی ته متوجه کړی وی.

زیاته هڅه یدی کی وه چه په حساسو ادارو کی د چارو واگی د هغه چا په لاس وی چه له یوی خوا د سرد ارانو او واکمنانو فرمانونه او احکام بی له سوال او ځوابه عملی کړی او له بلی خوا د وروستی توان په اندازه هغه خندونه چه په دی لاره کی را منځ ته کیږی په ډیره بی رحمی سره له منځه یوسی.

د پورتنی مطلب د اثبات د پر ښه مثال د افغانستان د پولیسو او امنیتی ادارو د جنایتونو او غیر انسانی عملونو څیړنه ده چه زه گمان کوم ټولو وطنوالو ته به د لمر په شانی رو ښانه خبره یدی کی وه چه په ټیټه سویه د حکومتی ماشین د چلوونکو کړه وړه هم په عینی ډول د لویو واکدارانو د عملونو انعکاس او د هغو د اغراضو او شیطانی غوښتنو تابع مینول وو.

هیله من یم چه دی ټکی ته توجه وشی چه زمونږ د وطن د مبارزو، متعهدو ایثارگرو او پوهو مسلمانو ورونو حساب د هغو خلکو له حسابه جلا دی کوم چه بیله کبږی لاری نه یی یو گام هم په سمه لاره کی ندی پورته کړی.

مطلب دا چه هیڅکله باید ښه د بدو سم له کږو اوتور له سپینو سره یو ځای معامله نشی (په پورتنی مطلب کی له تورو او سپینو نه مراد ښه او بد دی) او دا ځکه چه دا به بی انصافی او بی عدالتی وی چه پر ښو ستر گی پټی کړو او یا یی د بدو په ډله کی وشمیرو.

له واړه ضابطه نیولی بیا تر جنرالانو پوری او له کاتبه نیولی بیا تررئیس او وزیره پوری (مراد مو له ناکسانو څخه دی) د ټولو وروستی هدف دا وو چه د کومی لاری مقام او چوکۍ ته ورسیږی کوم عوامل یدی لاره کی استخدام کړی پرکومو اسبابو او وسایلو تکیه وکړی ترڅو هدف ته ورسیږی، پر څه ډول او له کومی لاری د ځان او د خپلی کورنی لپاره د هوسا ژوند انه وسایل ترلاسه کړی. شوکه او شکوونه له کومی لاری عملی کړی، پرکومو پلمو د تکیبی پر اساس ځانته د تجاوز لاره آواره کړی څنگه د آمر او حاکم زړه ترلاسه کړی تر څو د هغه د حکومت او حکمرانی په سیوری کی خپلو هوسونو او اغراضو ته د رسید ولاره لنده کړی. اوبالاخره څنگه باید د خان او ملک او ملا کسره په را بطه کی شی چه د هغو سرمپه شریکه د بی وزلا نود وینو د زبیښلو اود هغود وروستی توان څخه ځانته د گټی اخستلو شرایط برابر کړی.

دا مطلب هم باید په نظر کی ونیول شی چه په افغانستان کی تحصیل او زده کړه هم متاء سفانه صرف د دی لپاره وه چه د دی لاری نه ځان یوه ځای ته ورسوی او بیا نو د هغه مقام د صلاحیت نه د گټی اخستلو پواسطه د اشرافی ژوندانه وسایل برابر کړی.

د پورتنیو یاد شوو درد وونکو رنځونو د خپری فضا او د هغو نه د راپید اشوو بد مرغیو ساحه ورځ په ورځ پراخیده د یتیم او بسیر، بی وزلی او بی کس د مسکین اود بی زوره او بی زړه پرگنی ژوند هره کړی د نوو خطرونو سره مخامخ کیدو. فاصلی زیاتیدی، طبقاتی نا وړه چلند په عینی ډول د حقیقت جامه اغوستی وه او له ټو لو مهمه خوبی دا چه اسلامی ارزښتناکه اصول او اساسات د زمانی په تیرید و سره د زورگرو او جابگیرو د توطئو اود سیسو په اساس د راز راز خطرونو سره مخامخ کیدل. لنده دا چه د بدو بازار تود او د ښو کیسه خوشی او وریا وه. نو خو ښکاره خبره ده چه په داسی حالت کی د نومړو بد مرغیو له منځه وړل او د دارنگه اسلامی او انسانی ضد سیستم نسکورول او د عدالت، انصاف او ورورولی قائمول د یرو قربانیو او له سراو ماله تیرید و ته اړتیا او ضرورت لری. «نوربیا»

به اعتماد ما هر جامعهٔ متعهدی باید تجاوز روسیه در افغانستان را محکوم بداند.

شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی

بقیه ازصفحه دوازدهم

مجاهدشهید انجنیر حامداله قوماندان زنده نام سپاه اسلام که تاآخرین...

محمدا برا هیم بت شکن بیما ن عملیا ت گسترد ه تری را با لای مواضع کفا ر بر بستو با همبستگی کا مل یکجا با مجا هدین مرکز تخا ر ، بر مواضع دشمنا ن خدا در ولسوالی خواجه غا ر یورش برد .

شهید عزیز حا مد الله دربن عملیا ت زخــم برداشت ومدتی را درمنطقه امیرکوه تخار بمنظور معا لجه وتداوی زخمها یوجودش سپری نمود ، دیر ی نگذشت که صحت یا فت ودوبا ره اقدا م نمود تـــا سنگرها ی اسلام را رونق بخشیده وحمله بر دشمنا ن دعوت اسلامی را شدت بخشد ، این مرتبه به سوب ولسوالی رستا ق گا م برداشت تا بیشترنبود رخشا ن نهضت الهی را درا قصا وا کنا ف آن دیا ر گستر ش بدهد ، با بمیا ن آوردن انتظا م بیشتر در سطـــح افرا د با هدف ومتعهد آن ولسوالی به قصدعملیا ت دشمن شکن وا ردزا دگا ه ا ملی ا ش دوشی قلعه شد وفتوحا ت چشم گیری را کما ئی کرد . ودرهمین جریا ن گروها ی ستم ملی را که ـــ درلبا س مجا هدتیشه به ریشه مجا هدین را ه خدا میزدند ، نیست ونا بود ساخت ودرنتیجه علاقداری دوشی قلعه را از وجو د مکروبها ی کفرونفا ق باک ساخت .

انجنیر حامد الله شهید دربین عده ٔ ازهمرزمان وهمسنگران مجاهد ش.

شهیدا نجنیرحا مد الله درهمین دوره ها ی نبرد وبرتلاطم زندگی ا ش فرض گزا رش وضع درسا ل ۱۳۵۹ دوبا ره به سرزمین پا کستا ن عزیمت نمود وبا تجربه غنی جها رما ه دربن جا ، دوبا ره بقصد سنگر ها ی گرم وعملی نهضت اسلامی عا زم ولایت تخا ر شد .

مبا رزه وجها دا ین را دمرد مسلما ن مقطعی و موسمی نبود که انقلاب اسلامی را مبنی بر شرا یط و حوا دث بدا ند ، بلکه درهر نفسیکه میکشید ودرهر قدمیکه برمیداشت ، خودرا مسئول ومکلف مــی دا نست تا ضربه به دشمن خدا وا رد آ ورد ، به همیــن سبب بعدا زینکه دوبا ره از پا کستا ن به عــزم افغا نستا ن رهسپا رگشت درمنطقه دوشی وکیله گی که محل ترا کم قشون خون آشا م روس درولایت ـ بغلان بحسا ب میرود به ذریعه ٔ راکت برقـــی و سلاحهای مدرن برمواضع متزلزل دشمن سفـــا ک دلیرا نه حمله میبرد ، که منجر به قتل ونا بود ی صدها تن ازعسا کر روس گردید وچندین پوستـــه ٔ دشمن موجودیتش را ا ز دست میدهد ، هشت هلیکوپتر توپها ردشمن درطی همین عملیات این برادر شهید منهدم میشود وبا لغ بر یکصد تا نک زرهـــی تخریب میگردد .

شهیدا نجنیرحا مد الله همینکه درطی حرکتش بصوب تخا ر به نواحی ولایت کندز میرسد ، عملیات دیگری را با کما ل متا نت ورا دمردی با لای میدا ن هوا ئی کندز انجا م میدهد که نتایج خوبی را بدست می آورد ، شهیدا نجنیرحا مد الله بعدا زا ینکه با ر دوم به تخا ر دا خل میشود سعی ا نقلابی به خرج مــی دهد تا همه جبها ت تخا ر را منظم ومنسجم سا زد ، و به همه سنگرها ی مجا هدین رسیدگی مینما ید ، ـــ ولسوا لیها ی رستا ق ، خوا جه غا ر ، ینگی قلعـــه را منظم میکند ومنا طقی را که قبلاً آ زا د بود د و با ره ا ز زیر سلطه تجا وزگرا ن آ زا د میسا زد .

شهیدا نجنیرحا مد الله ا ز موجودیت مزدورا ن دشمن درلبا س مسلما ن نها یت رنج می برد ا و مدت دوسا ل در پا کسا زی ا ه مبا رزه ا زوجود دشمنان انقلاب زحما ت ا رزنده را کشید ودرکوبیدن سنگر ها ی کفرونفا دنیر ومندترین قرا رگا هی را بنام قرا رگا ه النمر تشکیل دا د که فرما ندهی سا یـــر ولسوا لیها ی تخا ر ا ز آنجا صورت میگیرد .

شهیدا نجنیرحا مد الله تنها بر مسئولیـــت خطیر اسلامی که دا شت ، دررفع درگیریها ی فی ما بین احزا ب وگروه ها ی اسلامی وبرقرا ری فضا ی اخو ت وبرا دری ودورا ز تعصبا ت گروهی میا ن ا یشـــا ن ا زآغا ز سا ل ۱۳۶۳ تا ا وا خر برج ثور درمنا طـــق ا شکمش وینگی ومنا طق مربوط کندز وبغـــلا ن سرگرم ا دای مسئولیت بود ، ا وبعدا زا نجا م پا ره ئی ا زا موردوبا ره عا زم ولسوالی رستا ق جا ئیکه مرکز فرما ندهی وی قرا ر دا رد ، میشود .

همینکه ا ین شهید همیشه جا وید ، بعدا زا نجا م امور تحریکی ورسیدگی به تنظیم برا دران ا شکمش ینگی ورستا ق دردشت میرزا ئی ولسوالی رستا ق یکجا با گروپی ا زمجا هدین میرسد ، مطا بق به راپو ر خوش خدمتا ن دشمن ومزدورا ن نقا بدار روسی ، ـ پا نزده فروند ا ز هلیکوپترها ی جنگی دشمن ا یـــن برا در قهرما ن را زیرآتش می گیرد ، تا ا ینکـــه عملاً با مقا ومت زیا د ، وا یفا ی آخرین مسئولیت الهی بتا ریخ ۲۹ ثورسا ل ۱۳۶۳ به ندا ی شها د ت جوا ب ا جا بت میگوید وروحش به علیین میپیوندد یا دش گرا می را هش مستدا م با د .

انا لله وا نا ا لیه را جعون

بقیه ازصفحه دوازدهم

آخرین گزارشات

.همچنان چند ین پوسته ـــــ د ولت مزدور د رقره با غ مورد حمله مجاهدین قرارگرفته که د رنتیجه شش تانک د شمن منهد م وهمه سرنشینان انها نابود گرد یدٌ اند . علاوتاً کاروان مواد ارتزاقی وتعمیراتی د شمن متجاوز د رمنطقه سفید سنگ مورد حمله مجاهد ین واقع گرد ید ه که د ه تـــن از متجاوزان روسی طی آن ازبین رفتـــه و۳عراد ه تانک آنان بشمول ۲عراد ه کاماز بد ست مجاهدان اسلام به آتش کشید ه شد ه است.

* تخارــ طی زد وخورد های ۴۵روز رزمند گان اسلام باروسهای غارتگر ، برا ـ د ران مجاهد ما موفق گرد ید ه انـد تلفات سنگین جانی ومالی برد شمن وارد آورند . د ربن د رگیری ها روسهـــا ۱۵ فروند ازطیارات میگ وهلیکوپتــر راازد ست د اد ه اند که لاشه های آنا ن د رنزد یکی قرارگاه براد رشهید ما انجنیر حامد الله ود رحوالی شهر رستاق موجود اند .

د راد امه این راپورعلاوه گرد ید ه کــه قبل ازین د رگیریها انجنیرحامد اللــــه قوماند ان د لیرحزب اسلامی افغانستان با ۲۱ تن ازهمرزمانش به اثر بمبارا ن وحشیانه روسهای وحشی بد رجه رفیــع شهادت نایل آمد ند ، روحشان شاد وراه شان مستدام باد

*از ولا یت غزنی خبررسید که د شمنان اسلام وانسانیت د وهفته قبل غزنـــی رابه خاطرتلافی عملیات متهورانـــه مجاهد ین اسلام مورد بمباران بی رحمانه هوایی قرارداد ه که خسارات مالی وجانی زیادی به شهریان بی دفاع غزنی وارد آورد ه اند .

د رراپورعلاوه گرد ید ه که مجاهد یـــن د لیر موفق به سقوط یکفروند از هواپیما ـ های متجاوزین گرد ید ه اند .

بقیه د رصفحه ۵

بقیـه از صفحه آول

عـوامل مـوجـودیت..

مینویســـد :

غیر از ملاحظات جیوپولیتیک یک ابر قد رت ، منابع طبیعی افغانستان بیـــش از مقداری است که برای جبران مخارج نظامی (روسـها) کفایت نماید .

از سال ۱۹۷۹ میزان بهره برد ا ری روسها ازین منابع به حد یک غارت بزر گ اقتصادی رسید ه است . واگر رسانـــه های غرب به توصیف افغانستان بــــه حیث یک کشور فقیر ، بیحاصل وعقبماند ه ادامه د هنـد (جای تعجب) نیســت

بد یهیست که جداً از اهمیت سو ق الجیشی افغانستان د راستراتیـــژ ی آسیایی روسـها ، آنچـــه که روسـها را با وجود تحمل مخارج سنگین نظامـی وتلفات انسانی ونیز بی اعتباری بیـــن المللـــی راغب به حضور نظامی د رایـن کشور میکند چیزی جز د ستیابی بــــه ذ خایر عظیم معد نی افغانستان نمـــی باشد .

مد تها قبل از تجاوز سال ۱۹۷۹ روسیه د ر تلاش بود تا به نوعی ازانواع د راقتصاد افغانستان نفوذ پید اکند

نشـــریه بیات چاپ لنـــد ن د رین مورد مینویســد که علا قه بـــه ثروت معد نی افغانستان از مد تهـــا قبل عامل جذ ب کنند ه ٔ بود ه اســت مد تی بعد از ورود آولین هیأت نظامی روس به افغانستان پس از سال ۱۹ ۱۹ گزارشی د رباره ذ خایر معد نی افغا ــ نستان د رمسکو منتشر شد وروسـها فقط ۲۵ سال پیش د ر شرایطی قرار گرفتند که میتوانستند نقش فعالی راد راقتصاد افغانستان بازی کند .

نفوذ سیستماتیک روسیه د ر اقتصاد این کشوربه د هه ۱۹۶۰ میلا د ی بــاز میگرد د . د رین زمان کرملین با انعقاد پروتوکولهای متعد د اقتصاد ی وتجارتی با افغانستان به تد ریج بخش عظیمـی از اقتصاد این کشور را بخود وابستـه ساخت وآنرا تحت کنترول د رآورد . نشریه مســـلم (نیبیا) د رباره ایـــن قرارد اد ها مینویسد :

اصلی ترین طرح روسیه برای تار اج افغانستان مربوط بـــه ذ خایر وسیـــع گاز طبیعی این کشور (افغانستان) است که گمان میرود حد اقل ۱۲۰ ملیارد متـــر مکعب باشد .

روسیه از سال ۱۹۶۸ تاکنون ایـــن منبع بزرگ اقتصاد ی را به شکل انحصاری د ر اختیار د ارد واز آن استفاد ه مـــی نماید .

د ر د هه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ د ولـت افغانستان به نخست وزیری د اود چند ین موافقت نامه اقتصاد ی با روسیه بامضا رسانـــد .

وزارت فواید عامه افغانستان د رسال ۱۹۶۰ با یکی از شرکتهای ساختمانـی روسی چند ین قرارد اد از جملـــه قرارد اد ی د رباره ٔ اجرای طرح آبیار ی منطقه ٔ د رنزد یکی جلال آباد منعقـــد نمود . همچنان د رهمین سال وزا رت معاد ن وصنایع افغانستان قرار داد ــ مشابهی را برای احداث سد نغلـــو ویک کارخانه تولید برق از آب به ر و ی رود خانه پنجشیـــر به امضاء رسـاند وقرار داد هایی نیز برای استخرا ج ــ ذ غال سنگ د ر پلخمری واکتشاف نفـت د ر د ره صوف منعقـــد گرد یـد .

وزارت معاد ن وصنایع قرارد اد های د یگری د رباره تحقیقات زمین شناســی واکتشاف نفت امضاء نمود .

نتایجی که ازین برسی ها وامثالهـم از جانب مـــهند سین وکار شناســان فنی روس بد ست آمد همـــه مخفـی نگهد اشته شد وحتی برای کارشناسان افغان هم آشکار نگرد ید . بهر حـــال هنگامی اکتشاف وبهره برد اری ازمنابع گاز بوسیله روسـها گسترش یافت کـــه یک قرارد اد هفد ه ساله برای صد ور گاز افغانستان از ۱۹۶۹ به امضـــاء رســـید و د رین قرارد اد تشریح شد ه بود که هر ساله مقد ار وبهای گاز مور د گفتگو قرار گیرد امـــا از آنجائیکه روسیه تنهاوارد کنند ه این گاز و تنها کشـــور مطلع از مقد ار ومیزان ذ خایر آن بـــود ومیزان استخراج نیز ازطرف آنان تعین میگرد ید ٔ به متن قرارد اد خود را مکلـــف نمید انستند . د رابتدا روسـها کمتـــر ازیک پنجم نرخ بازارهای جهانــــی را میپر د اختند وبعد از آنهم برای هر یک هزار متر مکعب گاز یکصد د الر میپرد اختند که کمتر از نصف قیمت بازارهای جهانی میباشد وهمچنان کمتر از نصف بهایـــی است که روسـها از فروش گاز سائبریا به غرب بد ست می آورد وجالب اینجاست که بد انیم که متأ سفانه نمی تواننـــد از گاز خویش استفاد ه نمایند ود رزمستان های سرد وسخت افغانستان ، گرما ا ز احتراق چوب وذ غال بد ست می آید .

نشریه مسلم (نیبیا) د راد امه مقالــه خود می افزاید :

از زمان تهاجم ۱۹۷۹ روسـها به افغا نستان بخش کشاورزی این کشور د رمعرض نابود ی قرار گرفته است زیرا روسهـــا که برهمه وزارتخانه های افغانستا ن تسلط کامل د ارند فقط متوجه معا د ن وبهره برد اری از آنها بود ه ود ر ـــ تخصیص بود جه مالی ۸۲و۸۳ برای این بخش حق آولیت قایل شد ه اند .

واما بخش کشاورزی نه تنها مو ر د توجه نبود ه که به اساس بمبارا ن د ائمی روستاها ومناطق ییلا قی افغا نستا ن توسط روسـها محصولا ت کشاورزی نابو د گشته واین امر صد ور مقد ار زیاد غلـــه را از روسیه به افغانستان باعث گرد ید ه است .

این نکته نیز د رخور توجه است کـــه امریکای به اصطلاح ضد کمونست نیـــز به کمک روسیه شتافته ود رنیمه سال ۸۳ بازهم تضمین نمود که سالانه ۱۲ ملیون تن غله را د راختیار روسـها قرار خواهد د اد ، که به این ترتیب روسـها بمنظور گرسنه نگهد اشتن مرد م ونیروهای انقلا ـ بی محصولا ت کشاورزی افغانستان را نابود میسازند ود رمقابل امریکا به آنهـــا گند م اضافی میفروشد که نه تنها کمبو د خود روسهارا جبران مینماید بلکه بـــه آنها د رکمک رساند ن وحمایت کر د ن از رژیم وابسته شان د ر افغانستان نیز توانایی میبخشـــد .

روسـها مخارج این محصولا ت را ا ز منابع طبیعی افغانستان بخصوص گا ز جبران نمود ه ومیپرد ازنـــد .

نشریه مسلم (نیبیا) پس از اشاره به حضور کارشناسان روسی د رافغـــا نستان مینویســـد :

به اساس ارقام رسمی د رحال حاضر ۷۵ د رصد ماشین آلا ت وتجهیـــزا ت حمل ونقل ۶۵ د ر صد از منسوجا ت و ۹۶ د رصد براورد های نفتی افغانستان از روسیه باید وارد گرد د .

د ر مقابل گاز طبیعی ، نفت ، میو ه خشک وپنبه افغانستان همه به روسیـــه سرازیر میگرد د البته بد ون آنکه روسـها پولی ازین بابت به افغانستان پرد اخت نمایند زیرا از یکطرف روسـها کنترول تمامی طرحهای اقتصاد ی را د راختیار د ارند واز جانب د یگرهمه را د ر بــــه اصطلاح قروض خویش مجرا مینمایند .

امروز افغانستان همانند مناطق ــ مسلمان نشین آسیای مرکزی که تحـــت اشغال روسـها قرار گرفته از نظر اقتصاد ی به جز لا ینفک اقتصاد روســـی تبد یـل گرد ید ه است.

این است ارمغان کمونزم خونخوار و جنایتکار به طبقات محروم و زحمت کش ـ جهان .

نظام ظاهرشاهی درکشورما برآورنده آرزوهای شوم قصر نشینان جبار کرملین بوده وبرگرد آن هدف نهائی غارتگران روس است

خون و پیام

مجاهد شهید انجنیر حامد اله قوماندان زنده نام

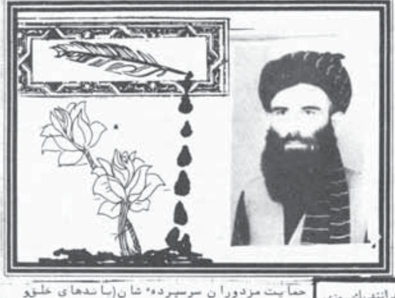

سپاه اسلام که تا آخرین نفس از سنگر حق و آزادی دفاع کرد

پیام من به برادران عقب جبهه این است که بدانند یک روزی ما شهید میشویم وجای ما را در جبهه خالی نگذارند
(از مصاحبه با برادر شهید حامد الله)

من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه ومنهم من ینتظر وما بدلوا تبدیلا .

با نگرشی در تاریخ پرهیا هوی جامعهٔ بشری درمی یابیم که در جلوگیری از نابسامانیهای اجتماعی هرج و مرج سیاسی وفساد اخلاقی انسان در جهت امحای بدبختی وسیه روزی بشر ، در زمین هیچ یک از مسلکها ومکاتب غیر از اسلام نتوانسته است کاری انجام داده ، واز دردها وآلام جانکاه و گوناگون مردم کاسته باشد .

آری : جز اسلام عزیز که توسعه وانتشار نور فروزانش در دل تاریکیهای زمین پیش رفته و به همت وتلاش پیامبر بزرگوار اسلام وپیروان راستینش در برقراری عدالت اجتماعی وانعدام ظلم واستبداد مبارزه پیگیر ودوامدار خود را آغاز کرد ، که تا کنون با ادیان باطل ادامه داشته وسلسله اش تا یوم موعود جاری خواهد بود که خواست آن همانا برچیدن بساط ظلم وکفر و سلاطین وزمامداران درخط شرک وکفر واستقرار نظام عادلانهٔ الهی بوده وهست ، از اینجاست که جبههٔ باطل وسردمداران ظلم واستبداد هم در برابر اسلام عزیز جبهه گیری نموده واز گسترش نور رهائی بخش وانسان ساز ونفوذ آن درمیان امت های دربند با تمام توان جلوگیری مینمایند .

در افغانستان اسلامی وشهید پرور هم حاکمان خونخوار و جاه طلب وکاخ نشینان شرک پناه چون ظاهرشاه وداود و دیگران این شیوه را بکار گرفتند و اسلام زدائی را از میان ملت مسلمان درصدر برنامه های ابلیسی خویش قرار دادند واین عمل را بگمان خام شان ضامن بقای چندروزهٔ حیات ننگین شان میدانستند . ولی خداوند قدیر وتوانا مطابق سنت لایزال خویش با دیگر به منظور برانگیختن احساسات اسلامی وایجاد شور وانقلاب در سرزمین فراموش شدهٔ افغانستان ، جوانان مسلمان وبا هدفی را روی صحنه آورد ، که در اعلای کلمه خدا وبر قراری شریعت اسلامی از دوران دانشگاه ومدارس وزمان واحدهای درسی آزادی مسلمانان محکوم را از زیر ستم خونخواران دولت بلند نمودند وصف فشرده ومتحدی را برضد استعمارگران خونخوار ونوکران زرخرید آنان ترتیب دادند ودر میدان مبارزه وپیکار عملی با قوت ایمان و اندیشه اسلامی پا نهادند ، که در طی دوره ها منجر به شهادت صدها جوان اندیشمند مسلمان وانقلابی گردید ، بالخصوص جهانخواران کمونیزم که در همسایگی افغانستان آنسوی آمو قرار داشتند ، بیشتر از دیگر جهانیان بشریت حیات وزندگی خویش را از این نهضت وخیزش اسلامی وانقلابی در خطر میدیدند . وروز تا روز بیشتر از پیش بر حمایت مزدوران سرسپردهٔ شان (باندهای خلق و پرچم) می افزودند ، تا اینکه این دست اندازیهای ننگین وبی شرمانه جانیان کمونیزم منجر به تجاوز بیش از (۱۲۰) هزار سرباز خون آشام سرخ در افغانستان مظلوم ومقاوم میگردد .

با وارد شدن این قشون سرخ تحریک اسلامی افغانستان دست به انسجام وتنظیم توده های وسیع ملت زد ، تا همگی تحت رهبری نهضت اسلامی ، آماده انقلاب سراسری گشتند ، در همه ولایات کشور برادران صاحب تدبیر وآگاه رهبری وهدایت مردم را بطرف این جهاد سازنده وحیات بخش بدوش گرفتند .

که از جمله ، شهید بزرگوار وهمیشه در سنگرهای عملی حزب خدا انجنیر (محمدنبی) مشهور به انجنیر حامد الله امیر جهاد ولایت تخار میباشد که از آغاز انقلاب خونبار اسلامی تا کنون در مقابله با دشمن وحشی قدمی به عقب نرفته است که طی این نوشتار به شرح گوشه ئی از زندگی افتخار آفرین وکارنامه های جاودانه اش در ادامه جهاد عملی میپردازیم :

آری : برادر شهید انجنیر محمدنبی در خانواده فقیر وبا دیانت در سال ۱۳۳۳ پا به عرصه پهنا ور پرآشوب گذاشت این کودک با فراست وپیشتاز هنوز به جوانی نرسیده بود که پدر بزرگوارش چشم از این دنیا بربست ، واو از نوازش پدری محروم ماند ، با طی مراحل طفولیت ورسیدن به سنین بالاتر در سال ۱۳۴۰ شامل مکتب ابتدائیه دوشی قلعه ئی که زادگاه اصلی اش بود ، گردید . بافراغت از دوره ابتدائیه ، این شهید همیشه جاوید ، به آموختن علوم اسلامی که آرمان عالی وخواست نهائی اش بود پرداخت ، وشور وشوقش درین راه روز افزون بود .

دیری نگذشت که در مکتب متوسطه شامل وبعد از مدتی با گرفتن اسناد فراغت از متوسطهٔ دوشی قلعه تخار فراغت حاصل نمود ، موصوف درین مقطع از دوره های زندگی اش دارای اخلاق وسجایای نیکوئی شد ، که از نظر حسن سلوک ومعاشرت محبوب همه بوده ، همقطارانش بدیده قدر واحترام مش میدیدند .

شهید انجنیر حامد الله همینکه در سال ۱۳۴۹ امتیاز شمولیت در تخنیک ثانوی کابل را دریافت میدارد ، به فعالیتهای اسلامی وآگاهی مصنفانش در مکتب مذکور شدت میبخشد ودر فکر این میشود تا هرچه زودتر خود را به حلقه جوانان مسلمان که فشرده اش امروز حزب اسلامی افغانستان میباشد ، شامل سازد وسعی میورزد تا با گرفتن نمرات عالی از تخنیک ثانوی به پوهنځی انجنیری خود را برساند ، تا از این طریق به سازمان تحریک اسلامی افغانستان ملحق شود .

او در سال ۱۳۵۲ که دوره های درخشان نهضت و تنظیم وانسجام برادران با هدف محسوب میگردد در فاکولته انجنیری شامل شد ودرین مدت دیگر همه چیز را کنار گذاشت وبا یک جهان سعی عمیق اسلامی وتصور انقلابی ، مأموریتهای تحریک اسلامی اش را دنبال نمود .

انجنیر حامد الله این شهید قهرمان ، با گرفتن سند فراغت از فاکولته انجنیری مدت کوتاهی را به مقصد گذشتاندن دوره ستاز در مرکز برق حرارتی واقع پلچرخی سپری کرد .

همینکه ابرسیاه استبداد دروسی وتجاوز بی شرمانه این وحشیان تاریخ فضای میهن اسلامی ما را پوشاند ودر هفت ثور ، این روز سیاه در تاریخ کشور بوقوع پیوست ، شهید انجنیر حامد الله به حکم قرآن مجید ودرک رسالت اسلامی به غرض اینکه میتوانند ایمان مستحکمش را از خطر وآسیب شرایط ناگوار اجتماعی پاک نگهدارد ، هجرت به پاکستان را پیش روگرفت .

آری : او که قلب مملو وسرشار از عشق اسلامی وجهاد مسلحانه داشت در محیط هجرت آرام نگرفت و همانند ساحل ، سکوت را اختیار نکرد ، بلکه چون موج دریا در تلاطم بود ، با همین علاقه ودلچسپی که به انقلاب مسلحانه داشت بنا بر دستور قیادت حزب اسلامی افغانستان بسوی سنگرهای داغ نهضت در ولایت کندز شتافت ، ودر عملیات دره شیگل مردانه وار اشتراک نمود وبا دیگر برادران همصفش پیروزیهای دشمن هراس را بدست آورد . در همان دوره وار در معرکه گرم قندکوهی اسمار گشت ودر فتح سراسری سمارنقش بارزان صدیق پیامبر (ع) را ایفا نمود .

شهید قهرمان انجنیر حامد الله در اواخر سال ۱۳۵۸ بخاطر توسعه بیشتر تحریک اسلامی در مناطق شمالی افغانستان با شوق فراوانی رهسپار ولایت تخار شد ، وبه ایمان واراده قوی از امکانات وسایل تواست با دو میل تفنگچه از طریق تورخم ، وار درصحنه های نبرد در ولسوالی اشکمش ولایت تخار گردید ، بعد از اینکه به مقتضای آرمان نهضت اسلامی ، برادران صاحب رأی ولسوالی اشکمش را بسیج نمود ، با ترتیب دادن یک گروپ از چریکها جان برکف راهی مرکز ولایت تخار شد ، وبا قهرمانان دیگر تخار مولوی

بقیه در صفحه ۱۱

نامه های رسیده

****

خوانندگان گرامی نسبت کثرت مطالب قسمت زیادی از گزارشها ونامه های وارده متأسفانه از نشر باز مانده امید است معذرت ما را درین زمینه پذیرفته از تقصیر درگذرید .

****

برادر محترم ما محمد معروف قیومی ، شعری جهت نشر بما فرستاده اند که نمایانگر احساسات اسلامی وانقلابی شان است . ما از لطف و همکاری آن برادر ممنونیم وامیدواریم مرحمت شان در آینده نیز شامل حال ما گشته وبه همکاری شان ادامه دهند ولی آرزوست قطعاتی را که میفرستند بعد از سرودن آنرا با کسی که در شعر وادبیات دسترسی داشته باشد در میان بگذارند تا ما بتوانیم از مطالب ارسالی شان استفاده نمائیم .
به آرزوی موفقیت شان

* برادر محترم آ – ق – ص از کویت ضمن نامهٔ صمیمانه شان از مطالب الصبح اظهار رضایت نموده اند که ما از لطف شان سپاسگذاریم . ایشان همچنان از عملکرد عدهٔ از مسوولین رده های پائین جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مهاجرین ومجاهدین مسلمان افغانی گیله ها کرده اند واین اصل اسلامی را که (اسلام مرز نمی شناسد) تشریح نموده وآنگاه علاوه مینمایند که " متأسفانه من به چشم سر دیدم که در جمهوری اسلامی ایران البته در رده های پائین به این اصل سازنده اسلامی چندان توجه صورت نمیگیرد واکثراً مهاجرین در کشورما وبرادران مجاهد ما از ناحیه عدم توجه به این امر با مشکلات فراوانی روبرواند) .

برادر عزیز ، از اینکه ما را مورد تفقد قرار داده اید خیلی ممنونیم ودر رابطه با مشکلات برادران مهاجر ومجاهد ما در ایران باز هم به همان جمله اکتفا می کنیم که در گذشته هم آنرا یکبار در همین ستون نشر نموده بودیم وآن اینکه : امیدواریم برادران مسلمان ایرانی ما در برخورد شان نسبت به مهاجرین ومجاهدین افغانستان طوری باشند که رابطه مهاجرین وانصار صدر اسلام با همان قوت وصداقت خویش استوار بمانند .

* زمونږ محترمی خور پ – ن له هندوستانه دیوه لیک په ترڅ کی یادونه کړیده چه د هندوستان موجوده واکدا – ران د افغانستان د اسلامی انقلاب پرضد په بین المللی ډګرکی په وار وار سره د روسیې په ګټه د ریځ غوره کړی دی خو مونږ د میرمن اندرا ګاندی د ناولی څیری په باره کی د یر لږ څه نشرته سپالی دی .
ګرانی خوری ، له مهربانی نه مو ډیر مننه کوو او یادونی په بار کې مو وایو چه مونږ پدی برخه کی د راه حق او الصبح په جرید وکی دیر مطالب خپاره کړی دی او ګمان کیږی هغه څه چه لیکل شوی دی بس به وی . سره لدی هم مونږ به هڅکله هم د هندوستان د واکداراو د اسلام ضد عملونه اوپه تیره بیا د افغا – نستان د اسلامی انقلاب پر ضد ګامونه – هیر نکړواو که خدای کول بی خوابه به هم پاته نشی .

* یکتن از برادران مسلمان ما بنام هـ – س – ا از فرانکفورت نامهٔ برای ما فرستاده اند که ورقهٔ با عنوان ، اتحاد دیموکراتیک محصلین وافغانهای وطن دوست در امریکا ، ضمیمه آن میباشد .
این برادر مابعد از آنکه مطالبی در رابطه با ابعاد وسیع انقلاب اسلامی ما نوشته اند ، در بخشی از نامه شان مینویسند که : جریده الصبح در معرفی نهضت اسلامی کشور وافشای چهره های مزدور گامهای موثری برداشته است ولی متأسفانه که در رابطه با اوباشان فراری بی ایمان وبی همت وبی هدف چون نویسندگان همین ورقه که از یخن اربا ب غربی شان برضد انقلاب ، ملت و وطن ما چون جلادان کرملین نغمه سرایی میکنند ، کمتر تماس گرفته ودر رابطه با این خفاشان فراری وسیه کار کمتر افشا گری نموده است . امید است برادران مسوول درین رابطه توجه نمایند .
برادر عزیز ، از لطف ویادآوری تان سپاسگذاریم ولی چنانچه خود شما فرموده اید انقلاب ما امروز از ابعاد آن چنان وسیعی برخوردار گردیده است که نمونه آنرا در تاریخ جهان سراغ ندارم .
از همینجاست که باید گفت ، جفنگهای همچو اتحادیه های پنج – شش نفری ودر خدمت هرد وابر قدرت که در حقیقت اعضای دو باند سیاه کار جاسوسی روسیه وامریکا هستند ، اصلاً به آن نمی ارزند که ما ستونی از الصبح را به خاطر افشاء نمودن آنها حیف نموده وباعث ضیاع وقت خوانندگان خویش نیز گردیم طبعاً شما توجه دارید که امروز نهضت اسلامی ما بایک ابر قدرت در نبرد ویکا – ر است وبرای عمل وگفتار اینهایی که از واشنگتن وپاریس ولندن وروم و . . نغمه اسارت سر میدهند نه بینندهای مانده ونی هم شنونده ای . بگذار چون بزدلان سیه کار در ظلمت غرب از زیر دامن ارباب شان سربدر آورده ونوای خوش خدمتی سر دهند .
به امید پیشنهادات وهمکاریهای بیشتر تان

آخرین گزارشات رسیده از نبرد

به اساس گزارش آژانس مجاهد پرس بتاریخ ۲۸ جولای ساعت ۹ وده دقیقه قبل از ظهر مزدوران کا – گی – بی یکعراده موتر تویوتا را که مواد منفجره را در آن جاسازی نموده بودند در ۲۰ متری دفتر حزب اسلامی افغانستان پارک نموده وخود با استفاده از وضعیت بارندگی شدید موفق به فرار گردیدند .
لحظه ای بعد موتر مذکور منفجر گردیده وباعث شهادت سه تن از رهگذران و تخریب سه عراده ریکشاه که در نزد یکی محل حادثه پارک شده بودند ، میگردد .
آژانس می افزاید که همچنان این انفجار باعث خرابی تعمیر یک مکتب وشکستن شیشه های تعمیر دفتر نیز گردیده است .
برادر حکمتیار امیر حزب اسلامی افغانستان این فاجعه را یک عمل تروریستی وجنایتکارانهٔ دستگاه آدمکشی کا – گی – بی دانسته وشدیداً اخطار نموده اند که مجاهدین مسلمان افغانستان انتقام این عمل وحشیانه را از حکومت غاصب روس ونمایندگیها پیش درخارج خواهد گرفت .

* پروان – نماینده پرس راپور میدهد که مجاهدین اسلام تحت فرماندهی برادر نیازی بر میدان هوایی بگرام که بزرگترین پایگاه روسهای متجاوز در افغانستان است حمله نموده وخسارات جانی ومالی فراوانی را برآنها وارد آورده است راپور می افزاید که طی این عملیات موفقانه هفتاد فروند از هواپیماهای مختلف روسی صدمه دیده ودرحدود دوصد تن از روسهای متجاوز به قتل رسیده

بقیه در صفحه ۱۱

هرکسی که مسٔله قومیت ومنطقه ومحل ونژاد ولسان را عنوان میکند او عامل دشمن است واز اسلام بریده .
مجاهد حکمتیار